

امید

در امریکانه

\$1.50

مقتدای مردم افغانستان

شماره چهاردهم / سال ۲۳ / چهارشنبه ۱۲ قوس ۱۳۹۳ / ۱۰ صفرالمظفر ۱۴۳۶ / ۳ دسمبر ۲۰۱۴ / شماره مسلسل ۹۸۷

شب یلدا

امشب که بامداد به تدبیر می رسد بانگ خروس صبح به تأخیر می رسد
امشب شب یگانه زشب های دیگرست ز آن روبه امتیاز و به تقدیر می رسد
امشب برای زاهد ما هم غنیمت است آسوده تر به توبه تقصیر می رسد
شادروان ملک الشعراء محمداطاهر هاتف

افغان مینې مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه
واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، انواع
میوه های فصل، نان های تازه وطنی،
روت ها، میوه های خشک تازه وارد
ازافغانستان، وگوشهای تازه مرغ،
بره، گوسفند، گوساله و گاو را با
بهای مناسبیت تقدیم میکند
ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union
6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

نشست وزرای خارجه ناتو بامسئولان افغان

۲دسمبر/پرو کسل - نور تیوی:نشست سران ناتو در بروکسل پایتخت بلژیک روز گذشته برگزارشد که در آن وزیران خارجه اعضای ناتو گرد هم آمده در باره چگونگی ماموریت ناتو پس از سال ۲۰۱۵ در افغانستان گفتگو کردند. احمدزی و عبدالله رئیس جمهور و رئیس اجرایی دولت افغانستان نیز در نشست شرکت کردند. ینس ستو لتنبرگ دبیر کل ناتو در یک نشست خبری مشترک با احمد زی وداکترعبدالله از تشکیل حکومت وحدت ملی درافغانستان ستایش کرد و گفت جنگ نیروهای ناتو درافغانستان برای آرامش امریکا و دیگرهم پیمانانش است. این سازمان پس از سال ۲۰۱۴ ماموریت جدید رادر افغانستان آغاز میکند. امضای قراردادهای امنیتی باامریکاو ناتو بخش دیگرسخنان دبیر کل ناتو بود. به باور ستولتنبرگ، امضای قرارداد های امنیتی افغانستان با امریکاو ناتو برای آغاز ماموریت جدید این سازمان مهم و موثر است.

احمدزی کشوررا خط نخست جبهه جنگ دانسته گفت نیروهای امنیتی افغانستان آماده هستند که جای خالی ناتو را پر کنند.

داکترعبدالله رئیس اجرایی حکومت درین نشست گفت طالبان نسبت به گذشته ضعیف شده است. این مقام دولت افغانستان تاکید کرده است که باید ناتو از نیروهای امنیتی کشور حمایت نمایند.

اعتراض بر فروش گوشت سگ درهرات

۲دسمبر/هرات - نور تیوی: دهافصا ب درهرات در محکومیت و اعتراض به فروش گوشت سگ بجای گوشت گوسفند، در مقابل شهرداری تجمع کرده و گفتند این اقدام خلاف اصول اسلامی و انسانی است و کسانی که از نام قصاب سواستفاده کرده اند، مجازات شوند. آنان افزودند افراد دستگیر شده در پیوند به کشتار و فروش گوشت سگ محاکمه شوند. دین محمد نبی زاده یک قصاب هرات میگوید این اقدام ضربه سنگینی به حیثیت کاری آنان وارد کرده و مردم رانسبت به این شغل بدگمان کرده است. اوهشدار میدهد که اگر متهمان فروش گوشت سگ محاکمه نشوند، خود آنان در این زمینه اقدام خواهند کرد. قصابان هرات از شهرداری هرات میخواهند تا یک کشتارگاه واحد برای ذبح حیوانات در مرکز شهر ایجاد کند تا در آینده این گونه مشکلات به وجود نیابد.

عبدالاحد فقیر یار مدبر مالی واداری شهرداری هرات میگوید کسانی که اقدام به فروش گوشت سگ کرده اند باید به گونه شدید مجازات شوند.

دوشب پیش، پلیس هرات ۳ نفر را در پیوند به کشتن سگهای ولگرد و فروش گوشت آن به مردم، دستگیر کرده است.

در حمله انتحاری در کابل پنج نفر کشته شدند

۲۷نومبر/کابل - نور تیوی: کابل یکبار دیگر امروز شاهد حمله انتحاری بود. نزدیک ساعت ۱۱ صبح حمله کننده انتحاری سوار بر موتر کرولا مواد انفجاریش رادر جاده کابل جلال آباد در حوزه نهم امنیتی منفجر کرد. این شاهراه از پرفت و آمدترین شاهراههای کشور است. از آنرا این حمله ۴ غیر نظامی شهید شدند و ۳۲ نفر بشمول کود کان زخم برداشتند. سخنگوی فرماندهی پلیس کابل میگوید هدف حمله کننده انتحاری شهروندان بریتانیابود که یک موتر شان بکلی تخریب و یک تن آنان کشته شد. امو تر حامل انتحاری تنها لاشه آن باقی مانده است. رویدادهای انتحاری وانفجاری همیشه از غیر نظامیان بیشتر قربانی میگیرد؛ شهروندانی که هیچ گناهی ندارند.

درین حمله خسارات هنگفت مالی نیز به مردم محل وارد شد، چندین واسطه غیر دولتی در این حمله انتحاری به کلی از بین رفت.

یک مادر ودختر در فاریاب کشته شدند

۳ دسمبر/فاریاب - باختر: سید لقمان گهری ولسوال شیرین تگاب ولایت فاریاب گفت یک زن ودختر جوانش در قریه کوه صیاد آن ولسوالی به ضرب مرمی کلاشینکوف در منزل شان بقتل رسیدند. علت اصلی این رویداد تا هنوز روشن نشده و به اتهام قضیه کسی بازداشت نشده است.

اعلام ماموریت غیر نظامی ناتو در افغانستان

۳ دسمبر/پرو کسل - بخدی: ینس استولتنبرگ، سرمنشی ناتو در نشست وزیران خارجه عضو ناتو در پرو کسل در حالیکه احمدزی و عبدالله حضور داشتند گفت: ماموریت جدید ناتو در اول جنوری سال ۲۰۱۵ آغاز می شود، ما از نیرو های امنیتی افغان در بخشهای مشوره دهی و آموزش حمایت میکنیم . ماموریت جنگی ناتو در افغانستان کمتر از دو ماه دیگر به پایان میرسد وانتظار میرود ماموریت جدید با ۱۲ هزار سرباز ادامه یابد، که بخشی این سربازان را نظامیان امریکا تشکیل میدهند. استولتنبرگ میگوید کمکهای مالی ناتو به نیرو های امنیتی افغانستان همچنان ادامه خواهد داشت و این نیرو ها از حمایت قاطع این سازمان برخوردار خواهند بود.

چند روز مانده به برگزاری نشست وزرای خارجه ناتو، احمدزی پیمان امنیتی میان افغانستان و امریکا را امضا کرد، کرزی ازامضای این پیمان سرباز زده بود. استولتنبرگ افزود ناتو آنچه را که برای آغاز ماموریت جدیدش در افغانستان نیاز داشت بدست آورده است.

احمدزی رئیس جمهور و عبدالله رئیس اجرایی از برنامه جدید ناتو حمایت کرده اند. احمدزی این برنامه راسر آغاز فصل تازه میان پیمان ناتو و کشورش خواند. عبدالله نیز گفت حضور نیروهای ناتو نه تنها برای افغانستان بلکه برای امنیت منطقه مهم است. فضای ایجاد شده برای تغییر نه تنها برای افغانستان بلکه برای منطقه و صلح جهانی، بسیار مهم است. احمدزی گفت: انتظار داشتیم حضور ناتو در افغانستان موجب امنیت و مصونیت مردم شود و جامعه ما را قادر بسازد تا برفقر و مشکلات که زنان و جوانان با آن مواجه هستند، مبارزه کند، متأسفانه چالش های هنوز هم پابرجاست.

هوشدار جنرال دوستم به ملا عمر:

انتقام خون شهروندان کشورم را می گیرم

۲۹ نومبر/کابل - منابع خبری داخلی: جنرال دوستم معاون اول رئیس جمهور به ملا محمد عمر رهبر طالبان هشدار داد که اگر حکومت وحدت ملی نیروهای نظامی تازه خود را در میدان نبرد بیرون کرد، هراس افگنان دربرابرشان ایستادی نمی توانند. افزایش ناامنی های اخیر در کشور معاون اول رئیس جمهور را خشمگین ساخته است، جنرال عبدالرشید دوستم که در میان ورزشکاران در کابخاست جمهوری سخن می زند به طالبان هشدار داد که با انجام حمله های هراس افکنانه نمی توانند مانع پیشرفت کشور شوند.

جنرال به مردم اطمینان داد که خودش در کنار نظامیان افغان ایستاد می شود وانتقام خون شهروندان کشور را که در حمله های طالبان کشته وزخمی شده اند را از آنان میگیرد. او اظهار داشت: “من به مردم اطمینان میدهم که خودم در کنار پلیس ملی وارتش ملی ایستاده می شوم و پاسخ دشمنان کور کشور را میدهم. دشمنان کشور بگونه نا جوا نمر دانه در مسجدها، میانهای ورزشی ومراسم خوشی های مردم حمله های انتحاری را انجام میدهند و خوشی مردم را به اندوه تبدیل می سازند؛ این حمله های آنان بی پاسخ نخواهند ماند.

وی خاطر نشان کرد: “این دشمنان رادیوانه میکنند، کسانی را که ملا عمر برای انتحاریش ما روان میکنند؛ من برایشان می گویم که ما نیروهایی در ارتش ملی، پلیس ملی و امنیت ملی داریم که اگر آنها رادر میدان جنگ بیرون بکشیم هیچکس نمیتواند در برابر آنها ایستادگی کند؛ باز می بینید که چه می شود.” میرزا محمد بایر مند معین پیشین وزارت داخله درواکش به این سخنان گفت: “من باور دارم که تجربه نظامی بیش از ۳۵ ساله جنرال صاحب دوستم در مهار کردن خشونت ها و جنگ به ایشان دست بالا می دهد.”

محمد اقبال صافی کوهستانی عضو کمسیون امنیت داخلی مجلس نمایندگان نیز خاطر نشان کرد: “جنرال صاحب دوستم نباید بگوید که من اینگونه و آنگونه میکنم، وی حالا در جایگاه و موقفی قرار دارد که باید در عمل توانایی خود را نشان بدهد.”

مشاور برجسته ومورد اطمینان شما در خریدوفروش املاک مسکونی وتجاری

با کارنامه درخشان در ورجینیا

سپیده فیروزی



Sepideh Firouzi
Realtor
Cell: 703-725-4457
sepideh@Inf.com
sepidehfirouzi.Inf.com



WORLDWIDE TRAVEL INC.



CHEAP AIR FARES TO

KABUL

FROM ALL U.S. CITIES

DUBAI EUROPE PAKISTAN

MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS



866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD

AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT

AF Insurance Group



(703) 348-6247

13044 Fair Lakes Shopping Center

Fairfax Virginia 22033

abdulfitrat@allstate.com

We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.

Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE. Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

محمدنعیم کبیر **مرگ بر فاشیست های جنایتکار و پنهانکار**
سکر منتو - کالیفورنیا
درانتخابات سال۱۹۳۳، ملت جرمنی به حزب ناسیونال سوسیالیست رأی دادند که به اساس آن ادولف هتلر به چو کی صدراعظمی آلمان تکیه زد. مردم جرمنی فکر میکرد که براساس بنیانه های پرشور هتلر درخلال مبارزات انتخاباتی، آنها ازغرامت سنگین جنگ اول جهانی خلاص خواهندشد، ویک آیندهٔ خود درانتظار آنهاخواهدبود، این رؤیاهای بیش نبود. بتاريخ۲۳مارچ ۱۹۳۳ هتلر در پارلمان آلمان، صلاحیتهایی را باوجود مخالفت حزب SPDبه تصویب رسانید. شش سال پس ازین، هتلر جنگ جهانی دوم را آغاز کرد، که دریایان آن یعنی درسال۱۹۴۵ حاصل آن برای ملت جرمنی این بود :

– کشته شدن سه ملیون عسکر جرمنی درجهه های جنگ، -ازمیان رفتن ۸/۱ ملیون مردم غیرنظامی، -ویرانی ۶/۳ ملیون خانه (۲۰٪ گل منازل مسکونی در آلمان)، -بیجاشدن ۵/۷ ملیون جرمن از خانه های شان، -رانده شدن ۵/۱۶ ملیون انسان، -اصمحلل تمام معیارهای اخلاقی .

اگر درعمق قضایای افغانستان بعداز سال ۲۰۰۱ توجه شود، یک میلان پنهان دربه آشوب کشاندن افغانستان، برای استمرارنظام قبیله سالاری ازبدو زعامت کرزی، تابه رسوایی کشاندن انتخابات، تبانی های پنهان وپشت پردهٔ غنی احمد زی با کرزی، فساد لجام گسیختهٔ اداری، حمایت ازجنایتکاران، قاجاقران. به نظر میرسد که ادارهٔ غنی احمد زی رابهتلر شباهت داده میتواند. ازلحاظ روانی هم هتلروغنی احمد زی ازسلامت کامل برخوردارنیستند، واین ازحرکات دستهای آنهاهنگام طرح مسایل جدی بخوبی هویداست . ازلحاظ مفکورهٔ سیاسی همان طور که هتلر به برتری نژادی یک قوم ایمان داشت، نزدیکی تنگاتنگ احمد زی بااسماعیل یون(نویسندهٔ رسالهٔ دویمه سقاولی)، انوارالحق احدی، امرخیل، سعادت و سایرپشتون ملتپنا، غریزهٔ فاشیستی را دراحمدزی آشکارمیسازد.تئوری های نظیر(خورده ملتپنا بایدبه دوریک هویت بزرگ جمع شوند)،(طرح منسجم ملی) طرزدیدي را ارائه میکند که محصول تراوش فکر یک بیمار روانی است! این مغزیمار، ملت مارابه تباهی ونیستی سوق خواهدداد، درین جای شک نیست که آتهایی که سکوت اختیاری نمابند، وقدم به قدم با غنی احمدزی این راه را می پیمایند، نیز بارسوایی و تباهی صفحات سیاه تاریخ را به خوداختصاص خواهندداد. تمام وعده هاییکه در خلال مبارزات انتخاباتی ودرپایانهٔ پس ازمراسم تحلیف داده شد، فریبی بیش نست، ویا رؤیایست که تحقق آن توسط یک معلول روانی ناممکن است، واین، طی دوماه اخیربه وضاحت ثابت شده است. احمدزی قبل ازاحراز مقام ریاست اجرایی توسط داکترعبدالله، باعجله جلسهٔ کابینهٔ سرپرست رادایر ودر آن توسط وزیران کرزی، میدان هوایی خواجه رواش را بنام کتیف یک جنایتکارمسنامود. این یک دشنام به ملت آزادهٔ بود که سیزده سال، حاکمیت این شیطان آدم نماراتحمل کردند. هر انفجاروهر جنایتیکه امروزرخ میدهد، توسط وطفروشانیکه کرزی آنها را برادران ناراض خطاب میکرد، ویش ازده هزار آنها راغفو وبه جبهه جنگ مجدد فرستاد. احمد زی نه تنها این حاتم بخشی را از کمربلت اتمام داد بلکه درجوار ارگ قصری هم برای اوداد تاز مشوره های خایانهٔ او به نفع طالبان و پاکستان سود ببرد .

احمدزی وعده داده بودوسو گند خورده بود که ازقانون اساسی افغانستان پیروی نماید. این وعده به مراتب ازطرف اوشکسته شد، و وزرای سرپرست پی ازدوماه هنوز درپستهای خودباقی ماندند. ! او گفته بود که فساد اداری مبارزه خواهد کرد، ولی دراولین انتصاب، زاخلوال رادرست مشاوریت اقتصادی گماشت، تابریختنهای خودش و کرزی درانتخابات ۲۰۰۹سروش گذاشته شود. ملت غیور ما بار بار استقلال خود را در معاملهٔ وطن فروشان ازدست داده بود، ولی با عزت وافخار و قربانی ها آنرا دوباره بدست آورده بود، مگر غنی احمدزی نه تنها استقلال وحاکمیت کشور را در طبق اخلاص تسلیم بیگانگان نمود، بلکه عزت وشرافت کشور را هم دریای پاکستان نهاد! او زیوانه بر آستان کتیف آی اس آی سرعجز سایید، وبه ملاقات مردی شتافت که هرروز در افغانستان به امر اوجوبهای خون جاری است. غنی احمدزی نه بیحث رئیس یک دولت مستقل، بلکه بیحث یک مادون بیمقدار توسط یک مامور دولت پاکستان در میدان هوایی پذیرفته شد، اویحیت یک غلام به دستبوس پدر مخالفین سیاسی اش شتافت وبه عذر وننوات پرداخت . او افتخار کشور اقوام غیرپشتون را در پای پنجاییان ریخت و بیحث یک متقلب وخاین، مذاکرات مخفی باقاتلین مردم ما تن در داد.

در حالیکه صدهاموطن ما در اثر حمله های انتحاری بخاک خون می غلتند، اوبه تماشای بازی کود کانهٔ پاکستانی کرکت، در کنار جنایت کاران پاکستانی مصروف بود. اودر یک پیمان یکجانبه واردات پاکستان رابه کشور ازدو ونیم هزار ملیون به پنج هزار ملیون دالرالبا برد خود دست خالی باز گشت ! احمدزی درین سفرو سفرهای دیگر صدها نفر را باخود همراه داشت ! در کشور یکه یک ملیون کود ک بجای ورق زدن کتاب و آموختن علم، مصروف پالیدن زباله هابر ای در یافت لقمه نانی هستند بردن دهها همسفر و پرداخت مصارف آنها، جغای بزرگیت که یک انسان عاقل به آن تن در نمی دهد. لازم بود تا غنی احمدزی بجای دودیدن به سوی بیگانگان، دست بسوی آتهایی دراز کند که خود رابه استقلال وعدالت درین کشور متعهد میدانند، آتهاییکه در مشکل ترین روزهای اندوهبار، این امتحان را با پیروزی پشت سر نهاده اند.

لازم بود تا بازی تقسیم قدرت کنار گذاشته میشد، وبراساس توافقنامهٔ سیاسی، اساس یک حکومت مستحکم در ظرف کمتر از یک هفته گذاشته میشد، تناز تساهل وتوطئه هاجلو گیری بعمل می آمد. کسانی که باخون ملت و ویرانی کشور راه ثروت وآسایش خود را انتخاب کردند، دیگر نیاز مند تفقد دستگیری نیستند و نیاز بدسوی آتهادست دراز شود.

غنی احمدزی درسفر به حجاز به دستبوسی آتهایی رفت که رژیم طالبان را برسمیت شناخته بودند و هنوز هم ساز و برگ نظامی آنها را از اسقاط و صدقهٔ این شیوخ عیاش ویدنام است. حتی کرزی باوجود همه بدی هایش حاضر نشد تابه احداث یک مرکز تروریستی در تپهٔ مرتجان کابل موافقه کند، ولی غنی احمد زی باید برقتن بردگی خادمین حرمین، پروژهٔ طالب سازی وتروریست سازی وهاییون را قبول کرد. با بهره برداری ازین مرکز، دهها هزار تروریست سالانه از آن در اجتماع غیر متجاس پراکنده خواهدشد. کشور در یک آشوبی که پایان آن جز تباهی وخرابی بیشتر نخواهد بود، غرق خواهدشد، و جنگ بین شیعه وسنی را بیشتر مشتعل خواهد ساخت . (دنباله در ستون دوم همین صفحه)

Omair Weekly

P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمد قوی کوشان

محمد نسیم یوسف

طوریکه هو طنان ما اطلاع دارند، جناب رئیس جمهور احمدزی بایک هیئت ۱۵۰ نفر (خیلی بزرگ) همراه شان جهت تبادل نظر و تشریح سیاست حکومت تازهٔ افغانستان سفری به پاکستان داشتند. در جریان سفر خویش، نظریه روابط خصوصی که با مقامات پاکستان دارند، بدون توجه به موازین دپلوماتیک، به مقر وزارت دفاع آن کشور به راو پندی رفته، در عقب درهای بسته بانظامیان پاکستان ملاقات نمودند، که محتوای این ملاقات تاهنوز به مردم بیگانهٔ افغانستان فاش نشده است !



بانو ریزه گل و عروس شجاع ووطنی دوست ودخترش
بعداً بامالی شیطان صفت اجنت وسخنگوی آی اس آی فضل الرحمن، که قبلاً حامد کرزی هم این ملا را ملاقات نموده بود، دیدار نمودند، که شاید ترتیب این ملاقات توسط فاروق وردک وزیر معارف حکومت کرزی وسرپرست در حکومت جدید، گرفته شده باشد، چنانچه درنوارهای تلویزیونی، روابط نزدیک فاروق وردک با این مای پاکستانی (پدر معنوی طالبان) به وضاحت دیده شد.
بلی ! همین فاروق وردک بود که یکی دوسال پیش باصدای بلند از آتش سوزی مکاتب توسط طالبان دفاع کرد.

پيامد سفر رئيس جمهور احمدزی، از د ياد حملات انتحاری (مخصوصاً در ولايت پکتیکا) وسخنان آن ملای پاکستان که جهاد را در افغانستان جائز ميدانند، چيز ديگر نبود ! اما مقام رياست جمهوری درين موارد هيچ اظهار نظری نکردند. نشود که سياست رئيس جمهور احمدزی، تداوم سياست سلفش باشد، زيراهنوز هم همان فاروق وردک ها، همان زاخوال ها، همان اتمر ها، يعني کوفته همان کوفته مگر صرف آنرا پوشانده و اسمش را نهادند دوله !

جناب غنی احمدزی با تجربهٔ ۱۳ ساله از حکومت کرزی، باید بداند راهی که کرزی رفت به ترکستان بود که جز غم واندوه، کشت و کشتار، قربانی اردوی ملی وغربت اقتصادی ، چیز دیگری به میراث نگذاشت، دیگر مردم ما حوصلهٔ خطاب برادر ی مخالفین سیاسی را به قاتلین ملت ندارند، اگر این طور تیم تحول، تداوم نماید، مردم این بار خود مسلحانه در برابر قاتلین خویش قیام خواهند کرد. ریزه گل، این زن شجاع وباشهامت افغان که بسرجوان پلیسش را طالبان در جلو چشماش تیر باران کردند، سلاح بر میدارد، همراه عروس یوه اش، دختر جوان وپسر دهساله اش خود را به پوستهٔ امنیتی که در آنجا شوهرش با طالبان در حال جنگ است، رسانده وبکجا باشوهرش برای هفت ساعت از پوستهٔ امنیتی دفاع نموده، ۲۵ طالب را به دیار عدم، وعدهٔ دیگری شان را زخمی مینماید.

بلی ! ریزه گل این زن باشهامت افغان به پیروی از ملالی هاوزرغونه ها وناهِید ها ثابت ساخت که دشمنان وطن واجیران بیگانه رانی گذار د تابه حریم مقدس قریهٔ وبرانه اش دست درازی کنند. بلی ! آن طالبانی را که اطفال معصوم افغان را قبل از مجهز نمودن برای حملهٔ انتحاری، تجاوز جنسی مینمایند، این زن مستحق مدال غازی امان الله خان است، نه کسانی که اول ادارهٔ شان به فساد اداری گسترده متهم شده، وبعداً این مدال برای شان تقویض می گردد !

اماروزی تاریخ معاصر کشور، نام ریزه گل را نیز بصفت الگوی زن باشهامت افغان برای دفاع از نوامیس ملی ومیهنش خواهد نوشت .

در اخیر امیدواریم که سیاستهای دولت فعلی چه در مورد طالبان مسلح، چه در مورد فساد اداری (کابل بانک وغیره) صرف در سطح یک شعار نبوده، نتایج عملی را دربر داشته باشد، مگر متأسفانه سالی که نیکوست، از بهارش پیداست ! / *****
غنی احمدزی، مانند ادولف هتلر باطرح تئوری های تفوق نژادی وقومی، راه رابوسی جنوساید با تصفیةٔ قومی ونسل کشی هموار می سازد. او در مبارزات انتخاباتی برای جلب حمایت قندرهای ها، از یک تربیون آزاد وعده داد که طالبان را از بند رها خواهند نمود، واین کار را کرد ! او قرار امنیتی رابدون دریافت تضمین مقاله باطالبان امضا کرد ! این توطئه ها، سازشهاو کرشها، همه بخاطر دور ساختن خدمتگاران صادق وطن ومهیا ساختن زمینه برای تطبیق نقشه هابر ای رسیدن به یک قدرت مطلقه است .

برای رسیدن به چنین قدرتی او کار تشکیل کابینه را امروز وفردامی کند تا رفیقان سیاسی راترور ویا مجبور به استعفا سازد. یکی ازین خدمتگاران صادق که شب وروز در خدمت همشهریان کابل زحمت میکشید، جنرال ظاهر ظاهر بود. جنرال ظاهر با عرق ریزی وبشت کار و ارادهٔ متین، توانست جنایتکاران قضیهٔ پغمان را دستگیر وبه پنجهٔ قانون بسیار. جنرال ظاهر بدون هراس، جنایتکار مشهور حبیب استالف رابه دام انداخت وبه پنجهٔ قانون سپرد. رئیس خداداد را که از معافیت کرزی برخوردار بود، به پشت میله های زندان فرستاد. امرخیل را بالفعل با پشتارهٔ خیانت گرفتار کرد. او از جملهٔ قهرمانانی مانند جنرال عبدالرازق ویی بی ریزه گل بود که مردانه در مقابل جنایتکاران ایستاده بود. ولی ارادهٔ فاشیستی غنی احمدزی، بجای تعلیق نشان ملی درسینهٔ او وجنرال عبدالرازق و ریزه گل، نشان ملی رابه سینهٔ وطفروشان فاسد تعلیق نمود.

احمدزی به موافقهٔ حکومت وحدت ملی پشت پازد، وبدون مشورهٔ رئیس اجرایی، اقدام به انتصاب چهره های فاسد نمود، بدون مشوره به سفرها وعقد پیمان هابادشمنان وطن اقدام کرد و در تقسیم قدرت سیاسی، میخواد چهره های فاشیستی رابجای وطنپرستان واقعی به قدرت برساند.

احمدزی در برابر همه کشتار ها در هیرمند، ننگرهار (دنباله در صفحهٔ ششم)

افغان فونديشن تقديم می کند :

داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780

محمد طاها کوشان

فریمونت - کالیفورنیا

جوان آینده از تو است

گفت: در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست

در یک چنین برهه و گذار سخت از دیو ودد گذشتن و با انسان آمیختن در میهن زخم خورده وخونچکان ما لاین دیوانه ای بنام یعنی اشرف غنی احمدزی که باندش هنگام کارزار انتخاباتی با چه طمطراق و غوغا دم از پیروی وبیاده نمودن قانون میزدندو گلو پاره میکردند؛ اکنون با دوسیه های میان تھی بالای میز مجالس و راهبرشان بامغز پراز کاه پشت میکرو فون ها لاطایلات گفته راهی هستند: ما در افغانستان جنگ نیابتی را اجازه نمی دهیم؟! جرت !

در نوشته های قبلی تذ کر داده بودم که این معجون مرگب یعنی باند اشرف غنی احمدزی، زلمی خلیلزاد وعلی احمدجلالی ودا کتر سیرت درسردارند که طالبان را در قدرت سهم سازند که با این کاریک تشنج مهار ناشدنی را در افغانستان بوجود خواهند آورد. مشکل اینجا ست که اینها پشت گپ اکثریت سرتاسری شهروندان افغانستان نمیگردند واهمیتی به آن نمیدهند؛ چون اهمیت وقدرت مافیای چرس وترباک در تاروپود این باند رخنه کرده وهیچ چیزی دیگر در اولویت کاریشان بجز نو کری آی اس آی، آوردن طالب و تسلیم نمودن هیرمند وقندهار و ارزگان به طالب وحشی خدا دشمن زن ستیر کتاب سوز؛ نیست.

چو کار از دست بیرون شد چه سود از دادن پندم

چو پای از جاده بیرون شد چه نفع از رفتن راهم

معلم گو ادب کم کن که من ناجنس شاگردم

پدر گو بند کمتر ده که من نااهل فرزندم حضرت سعدی (رح)

اکنون آشکار گردید که این باند مافیایی هیچ برنامه کاری نداشتند و چنی برو و چوت انداز می گفتند و چیغ میزدند وباستدلال ومنطق زور گوئی و رگ گردن مردم رابازی دادند و با فرهنگ لباس رسمی پاکستانی وکلاه ولنگی بازی، خاک به چشم مردم بیچاره ویی دانش مازدند و امروز می بینیم که طی بیش از یک ونیم ماه آدم ندارند که وزیر سازند! چه قحط الرجالی؟ پناه برخدا ! واز آنطرف نیز به هیچ گپ وبرنامه وستراتیژی آماده داکتر عبدالله تمکین نمی کنندو تنها کاری که دارند تداوم برنامه های لجام گسیخته و برباد کننده هغه جامد کر زای است . ای وای بر اسیری کر یاد رفته باشد

در دام مانده صیدی و صیاد رفته باشد حزین لاهیجی
این باند که تجارت کلانی با نام و زبان وقوم ملت شریف پشتون براه انداخته وجیبهای خویش را پر و پشتونهای نازنین مارا بدنام بنام تروریست و قاجاقریر و آدمکش ودشمن دین ودشمن آزادی ودشمن زن ودشمن دانش؛ به دنیا معرفی کرده می روند. و هیچ خم به ابروی خویش نیز نمی آرند .

اگر این ملت بامال هوس وآرمان و زرقای نقشه وهدایت خط مشی آی اس آی در افغانستان توسط نو کران زرخردیش بنام طالب راباوسواس و زیرکی و وجدان بیدار نگاه کنیم؛ واگر با شخصیتها یکه تاکنون این مغز پراز کاه یعنی اشرف غنی احمدزی مقرر نموده با دقت ودلواپسی بنگریم؛ همان آشت و همان کاسه ! در باند تبهکاری یعنی اشرف احمدزی آدمهای گننام فرصت طلب زیادرخنمایی و اظهار کاردانی ودانایی کرده ومیکند ولی در برابر اینهمه حملات انتحاری هر روزه سکوت مرگباری دارن، که انگار حادثهٔ درحول وحوش شان رخ نداده و دنیا گل و گلزار است. در پی سروسامانی دولت ویچارگی های شهروندان ما هیچ اعتنایی ندارندوبرای پاسخگوئی به هیچ برنامه تلویزیونی حاضر نمی گردند. چون این حکومت که وجه قانونی ندارد؛ پاسخی نیز ندارند که به مردم بدهند. مهمتر اینکه تا هنوز نه خود رئیس جمهور و نه کسانی را که تا حال بکار گماشته هیچ ورق ثبت دارایی های خویش را ارایه نکرده اند.

دراولویت کاری این باند تبهکار نامسلمان تیشه به ریشهٔ مجاهدین زدن است وهر کجا شخصیتیکه سرش به تش می ارزد و از عهده کار مهمی برآمده میتواند، را اینهابدستور بادارانشان رد میکنندو اینکه خود همین اشرف غنی احمدزی صد ملیون دالر کمک بانک جهانی را هنگام تصدی وزارت مالیه دزدیدو بعدشاگرد وفادارش عمر زاخلوال از طریق رسانه هادر دنیا دزدیدنش آشکار شد وبعددر مجلس بادارانش نیم ساعت گریه نمود؛ آیا زیاد وخاطره مردم رفته وگویی که پاکفسترن فرشته ها از آسمان هفتم بزیر آمده اند و مجاهدین همه هستند؟؟

این هاغه اتمر لغمانی در زمان تصدی وزارت معارف از جمله ۲۰ مشاورش ۱۹پشتون ویک تاجیک درلست شان دیده میشود. به سایت کابل اکسپرس مراجعه نمایید: فاروق بشراتمر، واسع اتمر، رامین اتمر وهابیون اتمر مشاورین مقام ثبت است. که جمله ۱۲ نفر ازشاورین اتمر از لغمان، ۳فرارزوردک، افر از جلال آباد و یکفر از کابل که آن هم قندهار یست نه کابل، و یکفر از مزار شریف. به این میگویند دیده درآیی و بی حیایی و تقلبکاری .

از کابل پرس میخوانیم:(نشر نخست در کابل پرس: چهارشنبه ۹ دسمبر ۲۰۰۹- حنیف اتمر: مهره انگلیسی { که زمانی دین را اقیون جامعه مینداشت } و یکی از عناصر اصلی ساخت سیستم فاسد حامد کرزی، ان جی او سالاری که ملیونها دلر رابدون حساب و کتاب بر باد داد. او کسبیت که در وزارت داخله و از امکانات آن به نفع حامد کرزی در انتخابات سال ۲۰۰۹ کار کرد. کنترول بخشهای مالی در دولت افغانستان توسط طالبان نکنایی پوش کاملاً با برنامه صورت گرفت. هدایت امین ارسال، اشرف غنی احمدزی، انورالحق احدی، حنیف اتمر وفاروق وردک کلیدی ترین عناصری محسوب میشوند که در ساختن حکومت فاسد وسرشار از اختلاس و فساد سهم داشتندو تقریبایش از هشتادو پنج درصد جابجایی های مالی در دولت افغانستان زیر نظر آنان صورت گرفته است.)

بازاز کابل اکسپرس:(افشای فساد گستردهٔ طالبان نکنایی پوش در وزارت تجارت به رهبری انورالحق احدی!) کابل پرس:(با ثبوت با ثبوت با ثبوت: یکی از اختلاسهای دیگر عمر زاخلوال وزیر مالیه ! اسناد با ثبوت اختلاس عمر زاخل و ال در رابطه باقرار داد جاپان وغضنفر گروپ، دوشنبه ۱۳ اگست ۲۰۱۲، بوسیله احمدی، اسناد شماره ۱ و ۲:)برعلاوه اسناد انتقال پول به حسابهای اروپا وامریکا). کابل پرس(وزارتخانه فامیلی زاخلوال ! با اسناد اسناد بدست آمده وزیر مالیه عمر زاخلوال با استفاده از صلاحیتهای دولتی دخترش را که شیما زاخلوال نام دارد به یکی از موفقهای کلیدی وزارت مالیه بکار گماشته است و بدون ازینکه برای این وزارت کدام کار انجام دهد، در امر یکانشسته ومعاش داری خویش را از برکت پدر نابغه اش متواتر بطور منظم دریافت میکند.) (دنباله در صفحهٔ ششم)



عنوان کتاب: کتاب و کتابدار و کتابخانه (۲)
نویسنده : پول الیگر . در آماستیت فرانسوی
ای بسا امید که این (امید) صد ساله شود

سخنسرای باران فرزانه شود

بخش دوم: کتابخوان: خوانندگان گرامی وارجمندجزیدهٔ مردمی امید، که آرزومندم با کمک کتابخوانها و کتاب نویسا ومقاله نگاران وعلاقمندان رویداد های تحلیلی وواقعی وطن عزیزما، عمرش تاصد سال دراز باد ! ، بخاطر خواهندداشت که درشمارهٔ گذشته متن اصلی درامم جالب وپرتنباه پول الیگر راکه خواست توجه کم رنگ شدهٔ مطالعه کنندگان آثار مطبوعاتی رانسبت پدیدهٔ قلمون تکنالوژی امروزی و کمپیوتر وانترنت، یکبار دیگربه اصل کیفیت بی بدیل خواندن مستقیم وساده و پرنفوذ رویارویی کتب وآثار چاپی مطوف سازدواحیاء کند، به شمارااته نمودم وبایشهاددوستان فرزانه ایکه قبلا به شما معرفی کردم، نقش عمده و برازندهٔ (کتابخوان)رانیز بطورادایت و تزئید، در صحنهٔ تمثیلی درام علاوه نمودم.
اینگ بقیهٔ بخش دوم(کتابخوان)تقدیم میشود :
برتو چراغهای روشنی انداز، درحالیکه ممثل (کتابخوان)، دروسط صحنه ایستاده است، کنایهای گوناگون رابا عناوین درشت شان در قفسه هابرای تماشا جیان روشن میسازد، و کتابخوان چنین میگوید:(...من کنایها ومقالات زیادی رادر تعریف وتجلیل ابیات وافکار و اندیشه های والای حضرت بیدل خوانده ام، درهمین راستا تقدیبیدل، اثراستادصلاح الدین سلجوقی، سیری درافکارابوالمعانی بیدل، تألیف حمیدالله برلاس، بیدلستان یا بیدل شناسی منظوم تألیف حبیب الله همنواچغتایی، وبسی آثارماند گاردیگری رادر نقدوشناخت وپژوهش وتجلیل اشعار واندیشه های بیدل مطالعه کرده ام، همان بیدل همه دلی که در زمزمه های دلنشین وبرمرز ومعانی اش میگوید :

در زمزمه ام عالم نیرنگی است
چندان که تأمل کنی آهنگی است
ازسیر کلام من به غفلت مگذر
چون صبح غبارم به نظرنگی است
ودرتقدیبیدل استادسلجوقی، این چندبیت تجلی دارد :

قاصد رموز جگر چاک چه گوید؟
درنامهٔ عشاق دیدن خبری داشت
زین بحرعیارطلب موج گرفتیم
آن پای که فرسود بدامن گهری داشت
آگاه نشدهیچ کس ازرمزحلاوت
ورنه لب خاموشی گره نیشکری داشت
همچنان من مجموعهٔ اشعارزبیا وپرمعنی استادخلیل الله خلیلی، شاعر شهیر افغانستان ویادداشتهای اورا که به فارسی وانگلیسی پچاپ رسیده خواندم وبه مشتاقان ادب معرفی کردم.
اینگ یک صفحهٔ درخشان، چون دسته گلی دماغ پرور ازاشعارماند گارش راکه درخطاب حسرتبار به تندیس کهن وتاریخی بودا سروده است، بعدازیک مقدمهٔ فشرده، به شما تقدیم میکنم :

ازخرابه های قصر مداین تا انهدام مجسمه های بودا
ما بار گهی دادیم این رفت ستم برما
برقصرستمکاران آیچه رود خزلان
درانکاس همین مصراع شاعروالامقام وحماسه سرای زبان شیرین فارسی (خاقانی) ودرآن شب وروز سیاه وفاجعه ناکی که مجریان ظلم وستم واختناق وجهالت، قدیمترین وازنظر فرهنگ وهنرباستان، پر ارزشترین گنجینهٔ تاریخ افغانستان عزیز، مجسمه های بودا رات تخریب وبه خاک وخاکستر کشایدند، یادم ازمنظومهٔ جاودان خاقانی آمد که بعدازنظارهٔ خرابه های قصرتاریخی وپر عظمت مداین سرود، وشاه فردآن همین بیتی است که درآغازبه شما خواندم.
یقیناً ازچگونگی این انهدام ودستبرد حسرتبار همه آگاه هستید، ودر صفحات اخبار وتلویزیونهای سراسرجهان باچشم سرمشاهده کردید.
اینگ در یادبود چنین رویداد اسف انگیز، منظومهٔ استادسخن خلیلی راکه قبل ازانهدام تندیس های بودا سروده بود، به شماپیان میکنم :

تا کجا در کهنه طاق قرن ها
باتن خسته بپا ایستاده ای
تابکی خاموش ومبهوت وحزین
در دل ویرانه هایستاده ای
تا کجا ای عبرت لیل ونهار
نسلها ازچشم وگم گشته اند
درخلال کینه ها و جنگ ها
کاروان ها کاروان هاناپدید
در دل این دره ها این سنگ ها
لیک توایستاده یک پا استوار
آبگون سیاره ها از آسمان
درشگفت ازروزگارت مانده اند
رود ها درسینه های کوهسار
داستانها ازشکوهت خوانده اند
تو برهنه مانه در پایان کار
یاد ایامی که از آوازه ات
گوش این گردنده گردون کر شدی
خازن این معبد نیلی رواق
با قد خم، هرسحر چمتر شدی
تا کند گوهر به پای تو نثار
آن حسیخته روزگاران ای دریغ
درشکج وچین گیتی شد نهان
هم قدر رویاند نکبت از زمین
هم قضا بارید سنگ از آسمان
جای گل سرزد زیاغ عیش، خار
ای کهن معبود سنگین تن دگر
پابه های قصر تو لرزان شده
دیگران خورشید اقبال وشکوه
در ورای ابرهاپنهان شده
چرخ تاریک و زمین گردیده تار
شمع اقبال تو گردیده خموش
معبد امید را در بسته اند
نقش تقدیر تو واژون کرده اند
وآن طلسم بخت را بشکسته اند
دیده نایبان و تن گردیده خوار
آدمی این بت تراش بت شکن
خود بتان بتراشد وخودبشکند
گاه شایدبنده سان سربرزمین
گاه خود کوس خدایی می زند
گاه تراشد بنده ، گاهی کردگار

بازگرد ای رهنورد راه بین
در دل آن سنگ ها شودرحجاب
رو بیوش ازجلوه گاه دیدما
چشم بیند در چشم ماه و آفتاب
تا نکیرد خاطرت از ما غبار
عشق مُرد ومهر مُرد و مردمی
غوطه در دیبای خون داریم ما
دست وپای عقل در زنجیر شد
باهمه داتش جنون داریم ما
از رهٔ دیوانه خود را دور دار !
درهمین سلسله من آثار فلسفی، عرفانی، تصوفی وعلمی رادر زبان فارسی دری ودرسی کتب و آثارنویسندگان خارجی، خاصتا فرانسوی وانگلیسی و آلمانی خوانده ام، که خواننده را به اندیشه ها وتراوشهای فکری نویسندگان و مولفین بزرگ ملل متمدن جهان آشنا میسازد.من دو کتاب ماندگار را راجع به مبارزات ومقاومتهای حماسه آفرین آزادپخوانان ووطپیرستان افغانستان، خاصتا احمدشاه مسعود به زبان فرانسوی خواندم، وبرای علاقتمندان به زبان خود در همین هفته نامهٔ عزیز ترجمه کردم .
کتاب اول باعنوان(مسعودافغان) -تالیف کریستف دو پانفلی، و کتاب دوم باعنوان (به محبت مسعود) بیانات خاطره های همسر مبارز این قهرمان را که یک باتوی افغان به زبان فرانسوی به چاپ رسانید، خواندم .
همچنان راجع به کارنامه های فراموش ناشدنی مسعود، بسی کتاب ها در بسی زبان های زندهٔ جهان انتشار یافته است، (دنباله درصفحهٔ ششم)

سید آقا هنری

رازهای گفته نشده (۲)

درواه وطن، آنچه نهفتند ونه گفتند
ما برسربازار، بگفتیم ونوشتم
هنگامیکه شاه به ولایت قندوزمیرفت دسرحدولایت محمد سرور ناشررئیس فابریکهٔ سپین زر(زرسفید) که مطلب از پخته میباشد، شاه رابه مو ترخودمی نشاند وخودش در یوری میکرد. تقریبی تمام ولایت راناشرغصب کرده بود.(باملک بسازده رایتاز) درولایت قندزاین لوایح به چشم میرسیدید. سینمای ناشر،فابریکه ناشر،هوتل ناشر، کتابخانه ناشرو...هنگام برداشت حاصلات درصفحات شمال وطن، مردم پنبه های شانرابرای فروش به یگانه فابریکهٔ ناشرمی آوردند. پنبه ازروی الیافش باید قیمت گذاری میشد. مأمورین ناشرهدایت گرفته بودند. الیاف درجه اول را دوم تعیین کنند درجه دوم را سوم به همین ترتیب، تفاوت این معامله سالانه به ملیاردها افغانی میشد. دران هنگام نویسنده مامورفنی در وزارت زراعت بودم، که بارباربه ولایات خدمتی میشدم مخصوصا درولایات صفحات شمال این واقعه راخصوصی تعقیب میکردم، چندین بارقصه سرزبانها افتاد. اما کدام موش میتوانست که زنگ رادر گردن یشک بیندازد. تاوقتیکه داوودخان کودتا کردوناشربه تاآمدن خلقهوپراچمیابه محبس دهمزنگ رفت، جمیله پلوشه عضو کمیتهٔ مر کزی وخیاشنهٔ سرورناشربود. ظاهرهامین واقعه الیاف پنبه بود، اماچون داوود ادم اندک ریخ عقده وکینه دل وخودخواه بود. از ناشرنسبت بی احترامی که درمقابش کرده بود قصد گرفت. داوود خان هنگام خانه نشینی به ولایت قندوز میرودمیخواهد شب رادرهوتل سپین زربگذرانند. کارگروهتل برایش میگویدهوتل پراست فقط یک اطاق خالیست که ازشاه زاده احمدشاه است، اگردرسال یکباریادوبارییاید. داوود خان میگوید همان اطاق رابرای یکشب باز کن. گارسون میگوید من صلاحیت ندارم بایداجازه بگیرم که ناشرجواب رد میدهد.این نه گفتن برایش خیلی گران تمام می شود. مابه ولایت هرات خدمتی بودیم، به حکومتی اوبی هم رفتیم. ازچشمه های طبیعی که اب جوشان داشت دیدن کردم، بالای این چشمه ها هوتلی اباد شده بود. نفرموظف هوتل یک اتاق سویت که قفل بود برای ما نشان داد، وگفت این جا ازشاهزاده احمد شاه است، اگر کدام سالی یکی دوشب بیاید.

نعیم خان هم کم اداوآود نبود، درولایت تخارخدمتی بودیم حاکم ینگى قلعه قصه کردممن مأموروزارت خارجه بودم. اتاق انتظارو سکرتریت وزیرتوسط پرده ازم جداشده بود، انتظاررفتن نزد وزیر راداشتم، که دربازشد وخانمی از اتاق وزیربرآمد نزدشوهرش که دراتاق پیشترانتظاربود دودیده امدوگفت، الا بلا واری بودمرا چارگرد اتافش گشتاند. فرانسه که نشد اما در ترکیه به حیث سکرتر سفارت بخیرمقررشدی، به خدا اگر بمانمت که تا انگشتری الماس که گفתי نخری. وی علاوه کرد که من انها را می دیدم ومی شنیدم ولی انها مرا نمی دیدند.(نویسنده نام نمی گیرد)

جنرال عارف خان (محمد زایی نژاد) مدت درمسکوسفیربود، وقتی که بکابل تبدیل شدحتی پرده های سفارت راباخود آورد. بد نیست قصه دیگری از سفارت ما درمسکورا بخوانیم . وقتی آقای شاه عالمی سفیر با خروشووملاقات میکند صحبت ازروابط دوستی بین مملکتین میشود. خروشوومیگوید تجارات بین ما ازتاروسوزن شروع شد حالا سالانه ازصدهامیلیون ربل زیاده ترشده. سفیرما با تأیید گپ های وی میگوید، صاحب هنوزسرل... زیر لحاف است. ترجمان از تاجکستان میباشد، این ضرب المثل ما را نمی داند قسمی گنگ ترجمه میکند. جندی بعدمکونی به وزارت خارجه در کابل میرسد که بتاریخ صحبت باجلالنامب سفیرصاحب داشتیم فرمودند، سرل... زیر لحاف است. ما مطلب رادرست نفهمیدیم اگر تشریح شود ممنون می شویم. ازاین مکتوب دوسیهٔ جور میشود. بالاخره دوسیه به شاه میرسد، وطالب هدایت میشوند. دوسیه حفظ میشود.

بابدیگوئم داوودخان غروری بهاجم داشت. خروشووبا شاه عالمی درصحبتی میگوید شماپایدمتوجه باشید روسیه مانند قبلی است و افغانستان مانندپشه ئی. شاه عالمی میگویداگر پشه به دماغ پیل دراید چه میشود؟ پیل رادیوانه نمیکند؟ خرو شو داد میکشد، وامراخراج سفیررا در ۲۴ ساعت میدهد. وی به وزارت خارجه بر میگردد. داوود خان وی را دوباره میفرستد، سفیرماهمین است که فرستادم بر قطع رابطه. روس قبول میکند !

محمد گل مهندس چه خیانتهای به وطن عزیزما که نکرد، وچطور دست بدست هم با خاندان نادری درخدمت انگریز می دراید، کتب تاریخی خطی که بیش ازهزارسال عمر دارد، مانند سردرنعیم خان و طالبان جشن کتاب سوزی برپا میدارد. حتی الوسنگ های مقابر که قدامت تاریخی دارد، به دریای اموغرق میکند. وازنقرت به مردم تاجیک میسوزد. اصلا زبان پارسی دری را زبان ایرانی ها میدانند وقند پارسی رایه زبان دران. داستانهای دگری دارد که اینجا گنجایش انرا ندارد. لطفا به کتب مستند تاریخی مراجعه شود.

این جا دومثالی ازین ناانسان وحشی، به طریق تفریحی می اوریم . میرمحمد نبی مشرف خاطره خودرادرولایت قندوز که سرطیب می باشد، چنین بیان کرد: روزی ناظر نائب الحکومه محمد گل خان نزد امد وگفت که وی گلون درد می باشد، شما را زحمت می دهیم. بعد معاینه شرتی ضدمکروی نوشتم وگفتم روزسه بارغرغره کنید، به زودی صحت می یابید. فردایش ناظر،بازآمد وگفت وضع مهندس صاحب بدترشده. وقتی نزدش رسیدم پرسیدم شربت راغرغره کردید؟ دست خود را به طرف بالا نشانه کرد. دیدم بوتل شربت را به سقف خانه اش اویزان کرده !

داکترصاحب ظاهرپدرخوانندهٔ محبوب ملاحمدظاهرهنگامی که در ولایت مزارشریف سرطیب بود، خاطرهٔ خود را نزد دوستانش چنین بیان کرده بود: نفرخدمت محمد گل نائب الحکومه نزدشان امده که حال انهاخوب نیست لطفا بیایید. بعدمعاینه تابلیت، پیچکاری وشربت نوشتم، وهدایت دادم روزسه قرص تابلیت، یک بارپیچکاری وسه قاشق فرنی خوری یا (جای)خوری شربت بعد ازغذا گرفته شود. به وظیفه خود برگشتم. سه ساعت بعد نفرخدمت مهندسمی اید که وضع شان بدترشده. بعد ازمعاینات ادویه که میدا ادویه تقلبی باشد، دیدم همه چیزدرست است به فکرم رسید مبادا قاشق زنگ زده باشد. گفتم قاشق که به ان شربت راخورده اند یاراید. نفرخدمت ملاقه را آورد! باید گفت مهندسفرنی راقتدرخوش داشت که باملاقه فرنی میخورد !

غلام محمدشیرزاد(البته محمد زایی) مردک عصبی که هیچیک از همکارانش اززخم زبان مشت ولگد کاری اش درامان نبود. سالهای طولی وزارت تجارت رادراجارهٔ خود داشت. داستان های دارد، دو مثلی میزنیم. ستار نامی تحویلداردرسیلوی مرکزى که جزووزارت تجارت بود قینقی ساخته بود که درحوال آردمیزدیک یادوکیلو از هرحوال میدزدید، ازهرجندی حوال یک جوال دگری بر میگرد، اطلاعاتش به وزیرمیرسد، ودرهمان وزیرایش خبرداده میشودواترپس باغ منزلش خراب شده. برای سکرترخودهدایت میدهد، ستار تحویلدار را وانجیرى از وزارت زراعت بخواهند انجیرمنتنظر باشد، که باخودمن یکجابه منزلم بریوم. دوروزبعدیاد داشتی بالای میزش دیده میشود تحویلدارستار وانجیر کریم دراتاق انتظارمیباشند. بی چاره انجیر که تازه دورهٔ تحصیالش رادرامریکا تمام کرده بود. نامها نزدوزیر تغییر میکند، کریم را که به زعم وزیر تحویلداراست صدا می زند . همینکه انجیرداخل اطاق میشود وزیر

کامل انصاری

مظلّمهٔ در مظالمگاه سلطان غزنه

سلاطین وشاهانی که در روندتاریخ داد گروعدل بوده اند، پژواک عدل وداد گستری شان از کران تا کران می پیچید، زیراشاهان باتدبیر در راه حق وعدالت، فرزندان وبرادران شان رانیز به پای قانون می کشانیدند، اگر غلظت جرم عظیم می بود، به یاسای پادشاهی نیز سوق می دادند.

دروزرگار حکمروایی سلطان محمود، بازرگانی بود که پیوسته خدمت خلق الله کردی و کارهای تجاری را طبق معمول به پیش بردی . امیرمسعود، فرزند یمین الدوله سلطان محمودغزنوی از بازرگان بادشده، به مبلغ شصت هزاردینار امتعه خریداری کرده بود، ومدت ها سپری گردیده بود که امیرمسعود بههای اموال راپذیرداخت . بازرگان که طاقش طاق شده بود، روزی به غزنین رفت وبه مظالمگاه سلطان محمود روی آورد . بازرگان به سلطان محموددقصهٔ داد وگرفت را که با امیرمسعود کرده بود، تمام بگفت وبه سلطان گفت:(خواهم که امیر مسعود را بامن به قاضی بفرستی). یمین الدوله سلطان محمود ازین سخن سخت رنجیده خاطرگشته، به قول کتاب سیاستنامه (بیغام درشت) به فرزندفرستاد. امیرمسعود که تمام دارایی خزانه اش ازبست هزار دینار بالاتمی رفت، تمام آن مقدار پول رایه بازرگان داد وبه پسر نوشت:

(بست هزاردینار درحال به بازرگان بداده ام وتمامت وی تاسه روز به وی بدهم و من قبا پوشیده ومیان بسته و موزه پوشیده برپای ایستاده ام تا سلطان چه فرماید؟ که مجلس قضا روم یا مال بازرگان تمامت به وی دهم ...)

سلطان دادگستر نمی خواست روی فرزند را ببیند تا که ادای دین بازرگان نکند، وبه فرزندش خطاب کرده گفت:(... به حقیقت بدان که روی من نبینی تا مال بازرگان به تمام و کمال نرسانی.) امیرمسعود با عجله به دوستان کس فرستاد تا پول جمع آوری کندو ادای حق بکند. (کتاب سیاستنامه، خواجه نظام الملک طوسی، تصحیح عباس اقبال، سال۱۳۶۹ ص ۲۹۲) . /

سیلی جانانه دررویش میکشدپدر گفته فحش میدهد مشت ولگد کاری اش میکند ومیگوید تودزد ازخدانی ترسی که آردهای غریب ویی چاره را می دزدی؟ وی اززیرپایش صدا میکندوزیرصاحب من انجنیرم بابت ترمیم واتر پمپ باغت امده ام. وزیردستش را میگیرد وبالامی کشدش. معذرت میخواهدقلم خودراطور یاد گاربرایش تحفه میدهد. ستار تحویلدار را میخواهد و میگویدچانس آوردی، امروز که مانده شدم برو پدرل.... بی نام... یک روز دگر بیا. (نشرشده درجریدهٔ امید)

فابریکه شا کرواق جنگلک کابل جینی باب خوبی داشت وبه قیمت مناسب تولیدات میکرد. خوب بیاددارم که آقای شاکربه مردم قول داد بزودی جینی باب وطن را تکافو میکند، اما درمدت کوتاهی سقوط کرد. علت آن بود که موادوارداتی فابریکه دفعتاچندبرابر میشودفابریکه نتوانست باجینی جاپانی رقابت کند. در کابل گفته می شد، غلام محمدشیرزاد مبلغ پنجصدهزارافغانی ویک عرادمه مو ترنیزسبزرنگ که زیرپایش بود، ازجاپانی ها تحفه گرفته است. /

کبیراحمد آهنگ هروی

اندر باب جریانات فعلی کشور

سراسر وعده ها بالا بلند است
تراوش های مغزنا پسند است
اگر در متن این قانون در آیی
همه افسار و زنجیر و کمند است

خودم بالاتنشین و شهریارم
خودم سر کُردۀ شهر ودیارم
خودم قاضی محاکم تحت امرم
خودم صدر و خودم قانوننگارم

مه قربانت شوم ای ارگ شاهی
بود کاخ تو کاخ خودنمایی
فسون من شده هر فرد ملت
که بسین ما نمی آرند جدایی

رئیس آنست که سرداری بداند
طریق و رسم بـاداری بداند
برای آن که دستش باز باشد
رموز و فن دهمـواری بداند

قسم بر ذات پاک حسی یزدان
قسم بر قلب پـاک هر مسلمان
رعایت می کنم خودساخته ام را
اگر قانون من می گردد اعلان

منم آنجنس که ازریگ نان تراشم
زهری دست و پایی خان تراشم
وزیران را دهم بر جنگ ملت
برای خود بـلاگردان تراشم

خودم در صدر مجلس جا گزینم
رئیس ملتـم بالا نشینم
چرا گردن به شـورا خم نمایم
خودم دارای عزم آهنینم

ازاین بعد تخت باشد روزگارم
سمـند شاد کامی را سوارم
دهد ملت تمام خرج و برچم
غـم آینده را هر گز ندارم

اگر مامورامروزشروه خورست
بود مجبوره عسرت سردچارست
فغان هر وزیر تا اوج افلاک
که دخلش صفرخرش صد هزارست

وکیلی کو بود همراز ملت
به هر دردی بود دمـساز ملت
به شورا راه او را می کنم سد
نرقصد تا دگر با سـماز ملت

حقوق ما چرا اجرا نمی شه
که رسم انتصاب ختنی نمی شه
به کوتاـل مو تر هـندل خورما
بدون دنـمده پنج بالا نمی شه

به من باید بگوید آفرین ها
زدم سیلی ز نـخوت برجین ها
سرود ملی را پشتو نمودم
که این باشد زبـان برترین ها

چهل سال شاه به ملت سروری کرد
چهل سال ملت او را چا کـری کرد
به ایام جهاد بابای ملت (؟)
کدامین جبهه را وی رهبری کرد؟

وکیلان بهتر است غوغا نمایند
به جرگه داد و و او بـلا نمایند
اگر دارند به دل سودای ملت
نباید پـسای آن امضا نمایند

یادداشت: سرودهٔ بالا را شادروان کبیراحمد آهنگ هروی، از همکاران ارجمند آن وقت امید، درشکایت از اوضاع (غت مغفول) کشور، درسال ۲۰۰۳ به شکل دوبیتی هاسروده بودند، که درشمارهٔ ۶۰۸ مورخ ۲۴ قوس ۱۳۸۲ برابر با ۱۵ دسمبر ۲۰۰۳ چاپ شد.

چون شباهت های تام ماه دسمبر یازده سال پیش بادسمبر جاری در نحوهٔ رهبری

ریاست جمهورفعلی باآزمان موجوداست، باتحاف دعا به روان مرحوم آقای

آهنگ، دوباره به نشر رسانده میشود.اداره

انجنیر عبدالصبور فروزان

تلویزیون ژوندون

مظهر تعصب زبانی وقوم گرایی درافغانستان
دریخش گذشتهٔ این مقاله، سخنی چند درمورد (نادر) خدمت خوانندگان عزیز ارائه کرده بودم، که درمیان مردم بنابه شیوهٔ خیانتگرانه وحيله گرانه اش به نادرغدار معروف بود، ومؤسس حرکت پشتونیسـم نوین و تحمیل زبان پشتو بر دیگران به جبر و ستم میباشد که آقای اسماعیل یون وهمفکران اوپيروان آن اند، و تلویزیون ژوندون رابه خدمت پخش این عقایدگماشته اند. مرام این حرکت درکنگرهٔ پشتونها که درسال پار در کابل دایرشد، به وضاحت بیشتریان گردید، که افغانستان وطن پشتونهاست وملیتهای دیگراعم ازتاجیکها، ازبیکها وهزاره ها، یاپشتون شوند یابنکه ازاین سرزمین بیرون رانده شوند، وهیچکس حق ندارد که بزبان دیگری بجزپشتوحرف بزند. نادرجنایتکاروخاین بانی این حرکت وقتیکه به یاری انگلیسها وفریب دادن ملت به پهنائه بر گرداندن سلطنت به امان الله خان، به قدرت رسید، باهراس شدیدی ازشاه حبیب الله کههدامنی که درقصرجبل السراج عقب نشینی کرده بود، داشت، چون از شجاعت ودلیری این مرد آگاه بود واز ضرب شمشیرش درجنگ استقلال وازمقابله اش دربرابر روسهای کمونیست اشغالگر دربخارا با خبربود، بنااً درصددآن شد تاهرطوری وبهرقیـمتی که میشود، این مرد شجاع را ازبین ببرد. نادر مردم شمالی رادشمن خود ودشمن فامیل خود میدانست ودرتختسین روزهای سلطنت خود پشتونهای جدران، حاجی، منگل، وزیری، کروخیل وطوطی خیل را مسلح ساخت تابرمردم شمالی حمله نمایند. نادربه این پشتونها که مسلح بودندو توسط قوای عظیم دولتی حمایه میشدند، هدایت داد تاهرچه که از دست شان می آید، بالای این مردم دریغ نمایند و برای شان گفت که سر ایشان از من و مال و زن ایشان از شما! این پشتون ها مرتکب چنان جنایاتی شدند که تاریخ بشریت به آن ننگ میکند. ایشان به چور وچپاول، قتل وقتل، ویرانگری و آتش سوزی از کو تـل خیرخانه الی جاریکار پرداختند. این حرکت نادر بخصوص تجاوز پشتونهای جنوبی به ناموس وزنهای شمالی، حبیب الله کههدامنی رابه غضب آورده بود، ولشکرفرانوای تهیه دیده بود و منتظرسیدحسین و قوایش بود که ازمزارشریف برسد وبرقوای چپاولگر نادر حمله نماید.

مخبران نادر این وضعیت رابه نادررسانیدند وازآمادگی حبیب الله کههدامنی برایش اطلاع دادند، که لرزه در اندامش افتیدونمایندۀ انگلیس به نادرگفت که بهرصورتی که میشود باید حبیب الله رابه یک فریب دستگیرگردد، ومقابله کردن دربرابرانواممکن است، زیرااگرحرکت کندهمهٔ مردم شمالی برای گرفتن انتقام اورا همراهی می نمایند. انگلیس از یزرگان روحانی مجددی که درمیان مردم شمالی نفوذمذهبی داشتند، وشاه حبیب الله کهدامنی به ایشان ارادت داشت، وبه ایشان به نظرییر وپیشوا میدید، استفاده نمود.

یکی از ریش سفیدان کابل که پدرش درارگ حتی درزمان امان الله خان رفت وآمدداشت، اززبان پدرش بمن گفت که نادر خیال داشت که بافرستادن پول هنگفت این مردشجاع را دردام خوداندازد، ولی روحانی مجددی به نادر گفت که این کاری نمی افتد، چون حبیب الله کههدامنی رامن میشناسم که به پول علاقهٔ نداردوهرچه که خود داردآنها به مردم غریب میدهدو مردسخی است. نادر بازبه این اندیشه شد که اگرزنی از زنان حرم رابه اوفرستدبانه زنی گیردو به پهنائه خوشاوندی اورا گرفتار نماید. بازمجددی گفت که حبیب الله کههدامنی مرد باناموس است وبه زن خود وفادراست وبه داشتن زن دیگر علاقه نداردواین هم کاری نمی افتد. مجددی به نادرگفت که من حبیب الله کههدامنی رامی شناسم که مردمتدین ومتقی است وبه قرآن سخت ایمان وعقیده دارد، ودیده ام هر کارمشکلی را که نزدش می آورند وقرآن رایش میکردند، همان کار رامیکرد، ولو اینکه به قیمت جانش تمام می شد.

نادر گفت حضرت صاحب توهرچی میکی بکن، مقصدااینست که او یاتسلیم شودیا ازافغانستان بیرون گردد ودرغیر آن من ۲۵هزار پیچه های پشتون خودرا درجنوبی جمع کرده ام و مسلح ساخته ام، ایشان را امرمیکم که برشمالی حمله کنند، مردهای شمالی راقتل رسانند، به زن های شان تعرض کنند، دختران شان رابخود یاورند، مال ومتاع شدن را تاراج نمایند، خانه وقریه وشهرهای شانرا آتش بزنند. نادر به مجددی گفت که توخودت دیدی که برادران پشتون من پیچه های جنوبی مردم کابل و کههدامن را که همدستان حبیب الله بودند، چه جزا دادند وچه نسق کردند که تازنده باشند زوراین پیچه ها ازیادشان نمی رود. این بار به پیچه های جنوبی میگویم که حتی بالای اطفال شمالی هم رحم نکنند و آنها را هم سر بزنند.

سخنان نادر مجددی راسخت متأثرساخت، چون عدهٔ از مردم شمالی بشمول حبیب الله کههدامنی ازجملهٔ مریدان او بودند. نادروقتی دید که سیمای مجددی متأثر ومغموم معلوم میشود، به او گفت: حضرت صاحب اگر کاری کردی و این آدم رامجورساختی که جنگ نکندو به کابل بیاید وتسلیـم شود، درپاداش دروازهٔ ارگ شاهی هرقوت به روی شما بازخواهدبود، هرامتیازی که باشد نصیب هر آنکسی که با شماقرابت دارند وازفامیل وخویشاوندان شمااند، خواهد شد وجوگی های بلنددولتی رابه آنها می سپارم . مجددی به کوهستان رفت تابه شمس الحق مجددی که به پیر کوهستان معروف بود، وحیبب الله کههدامنی هم مرید او بود، ملاقات نمایدو اورا ازنیت نادر که چپاول و تاراج شمالی، قتل عام مردم آن وتجاوز برناموس وآبروی ایشان میباشد، آگاه سازد .

مجددی های مذکورفصله کردند که به جبل السراج بروندوشاه حبیب الله را متقاعدسازند که جنگ نکند. ایشان باعدهٔ از بزرگان و ریش سفیدان کوهستان به جبل السراج نزدشاه حبیب الله کههدامنی رفتند وازنیت نادر برای او گفتند، و اصرار کردندکه جنگ بایندشود که مردم بیگانه پامال میشوند. شاه حبیب الله گفت نادر او غانا رادرشمالی روان کرد که چپاول نمایند، مردم بیگانه رابکشند و بی ناموسی نمایند، که این کار نامردی وبیغـرنی است ومن هرگز بااین آدم نامرد سرسازش ندارم، فقط منتظرسیدحسین هستم که از مزاربیاید ووزودی با تو کل به خداوندپاکت به کابل حمله میکنم و جواب آن نامردها ویی غیر نتهای جنوبی را که بی عزتی ویی ناموسی کرده اند، میدهم و تاآخرین قطرهٔ خونم از مردم شمالی دفاع میکنم وقصدمردم شمالی را ازچپاولگران میگیرم .

درواقع موقف شاه حبیب الله خان نسبت به نادر خیلی قوی بود، یکی اینکه چپاول ویی ناموسی پشتونهای جنوبی، مردم شمالی راآمادهٔ آن ساخته بودتا ازخون خود بگذرندواتنقام بگیرند؛ دوم اینکه مردم کابل ازچپاولگران جنوبی که مال ومتاع شان رادزدیده وخودشانرا اذیت وآزار داده بودند، سخت متنفر بودندواز نادردیدشان میآمد؛ سوم اینکه دوران آرامش وعدل حبیب الله کههدامنی درخاطره های مردم کابل تازه بود. لذا اگرشاه حبیب الله حرکت میکرد، نادر هیچ امکان نداشت که دربرابر او مقاومت نماید، چون نادر ریشهٔ مردمی نداشت وتوسط دستهٔ از پشتونهای که دزدی وچپاول کرده بودند، ویی ناموسی نموده بودند، حمایه میشد. ولی شاه حبیب الله درمیان مردم هم درشمالی وهم درکابل محبوبیت داشت، و کسانی اورا حمایه میکردند که به ناموس شان دست اندازی شده بود وخون ایشان به اصطلاح درخوش بود، ازسرخون خودتیربودند .

شمس الحق مجددی پافشاری کرد که جنگ نشودوازقرآن مجید وگفتار پیامبر(ص) صحبت کرد ، به اندازهٔ که حبیب الله کههدامنی ماندموم ملایم شد

زین العابدین عثمانی

فرانکفورت ـ آلمان

اولین قهرمان شطرنج اشتای تنیز در سال ۱۸۸۶ به دنیا ظهور کرد

قبل از اینکه عنوان قهرمانی شطرنج جهان رسمیت پیدا کند، ودنیای شطرنج فردی رابه عنوان قهرمان شطرنج جهان معرفی بدارد، بازی کنان متعددی مانند فیلیدور، بوردونائیس، اشتانستون و اندرسن، بر این باوربودند که نیرومندترین بازیکن دوران خودهستند، ولی چنین تصویری موردتایید مردم قرارنگرفت، تنهامتیوان گفت که دربارهٔ (مورفی) بعنوان بهترین شطرنج باز اتفاق نظر حاصل شد، مگربرای یک زمان کوتاه . پس ازمرگ مورفی درسال ۱۸۸۴این امکان میسر شد که برای اولین بار یک دورهٔ مسابقات قهرمانی جهان برگزار شود، وهمگان قبول کنند که کسی منکرعنوان قهرمانی برای برنده نباشد، ولی این دیدار تاریخی، دیداردوطرفه بود بین زوکر تورت و اشتای تنیز درسال ۱۸۸۶ . استای تنیز که همان سال اندرسن راشکست داده بود، به تدریج به تمام رقبای خود یشی اختیار کد، وهزمان باگسترش شطرنج نوین او بود که شطرنج را ازصورت یک بازی خارج نموده وبه عنوان یک علم معرفی کرد. اولین دیداررسمی قهرمانی جهان، از ۱۱جنوری تا ۲۹ مارچ ۱۸۸۶ درسهرهای نیویارک، لسنت لوئیس و نیوارولئان برگزارشد، که طی بیست بازی، اشتای تنیز حریف خود و کرتورت را باتنجهٔ ۵/۱۲ بر ۵/۷ شکست داد، وهمانطور که قبلا فیصله شده بود، به عنوان اولین قهرمان شطرنج جهان شناخته شد. لازم به یادآوربست که بنابر مقررات این بازیهای تاریخی، تاج و تخت قهرمانی جهان به کسی تعلق میگرفت که بدون احتساب بازی های مساوی به ده پیروزی دست یابد، که اشتای تنیز ازعهدهٔ آن برآمد.

پس از شناخته شدن تنیز بعنوان اولین قهرمان شطرنج جهان تسال ۱۸۴۸که فدراسیون بین المللی شطرنج کنترل ونظارت بر مسابقات راعهده دارشد، بازیها انظم خاصی برخوردارشد، و فاصلهٔ برگزاری مسابقات قهرمانی جهان به سه سال محدود گردید. سال ۱۸۸۴نوبت به شطرنج بازبیسارقوی دیگر بنام لاسکر رسید، تا برسر قهرمانی جهان به مبارزه بنشیند. اشتای نیزت که دهسال تمام ازعنوان خودبا قدرت تمام دفاع کرده بود، اکنون رقیبی بسیارسرسخت رامقابل خودیافت که آوازهٔ او درسراسرجهان برسر زبانها افتاده بود.

لاسکر پس از ۱۹ دیدار جالب، موفق شدبا ده پیروزی، چهار مساوی وتنها پنج شکست، قهرمان رابه زیر بکشد، وبه حکمروایی اشتای تنیز پایان دهد. سال ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۱جنوری ۱۸۹۷ یکبار دیگر شاهدمبارزهٔ اشتای تنیز و لاسکر بودیم، که قهرمان جهان موفق شدباتنجهٔ بسیار جالبتری نسبت به دورهٔ قبل، سالکر از مجموع ۱۷ بازی، صاحب ده پیروزی، ونـ پنج مساوی درشهرمسکور برحریف غالب شد. تالاینکه در سال ۱۹۲۱ درفاصلهٔ ۴سال، یک کیوبایی قدرتمندتوفیق یافت که به حکمروایی لاسکر پایان دهد. این کیوبایی پس از ۱۴بازی، ۴ پیروزی و ۱۰ مساوی باتنجهٔ کلی ۵/۹ درمقابل قهرمان قدعلم کرد و عنوان قهرمانی را از آن خودنمود. دیدار هادرشهرهاوانابر گزارشد. درمورد قهرمانی های بازیهای شطرنج گفتار بسیارست، خواستم کمی درمورد قهرمانان شطرنج باز کشور خودهم اشارهٔ اندک بکنم :

جناب سیدعبدالحمید پادشاه ازولایت قندز، جناب داکتر عبدالرحیم گران،جناب محبوب الله کوشان، جناب بریالی ادا، جناب عبدالرزاق زلمی، جناب محمداسلم پارسا، جناب صفی الله رحیمی، جناب سعد الدین شیون، جناب غلام فاروق مزاری وجناب محمدشریف میخانیک، ده نفر عضو تیم ملی شطرنج افغانستان، که دوسفر در کشور های آسیای میانه و کشورهای خلیج انجام دادند، نتیجهٔ فوق العاده خوبی بدست آوردند.

براستی که همان روزهای یهارو تیرماه سالهای ۱۳۵۴،۱۳۵۵و ۱۳۵۶ جمهوری محمدداوودخان، که مسابقات شطرنج دایر بود، ازفرط حیرت به اندازهٔ در خیالات واحساسات تلخ وشیرین فرو میرفتم، که این برادران شطرنج باز، باچه شوق ودوق ومملو از احساسات سالم برای انجام مسابقهٔ در عالم غرغصه های روزمرهٔ زندگی، چقدر از لذت شهدآمیز بایک سرگرمی ساده وطبیعی وبیک شور وهیجان با داشتن وحدت به دل وجان، بدون تبعیض وتفرقه باهم نزدیک ورو به رومیشوند، وبانمایش دادن صحنه های صددرصدواقعی، غرق در انفجار احساسات خودبه خود طبیعی، پیر وجوان ساعت های درازی را درچرت وفکر واحساسات تلخ وشیرین سپری می نمایند.

این هیجان وشادی وغلغان غرور ملی وتشنهٔ احساس پیروزی دریک رقابت سالم ورزشی بود، که درجان تماشاچیان این مسابقات پدیده آورده بود، که به حق شکوه وعظمت جلوهٔ آن از حوادث کیمیا ب و حرفهای بسیار دربرخواهد داشت. /

چون مردخداپرست ومومن صالح بود. او ازمجددی پرسید: پس پیرصاحب، قرآن خداج(و پیامبر گرامی اش محمد(ص) درین مورد چه میگوید؟ مجددی گفت: الصلح اخیر، میگوید صلح برای مومن خیراست، وگر نه نادر اوغان های جنوبی رامسلح ساخته که بالای شمالی حمله نمایند وهری ناموسی که ازدست ایشان بیاید دریغ نمی کنند. مجددی دانست که شاه حبیب الله کههدامنی بخاطر حفظ جان وناموس مردم شمالی به صلح راضی شده است، گفت من نزد نادر میروم وبرای میگویم که قسم بخورد که به تو وهمکاران تو ضرر نرساندومردم شمالی رااذیت و آزار نکند. حبیب الله گفت من به قسم این شخص باور ندارم، او اگر مرد میبود بی ناموسی نمیکرد. شمس الحق مجددی گفت من به نادر میگویم که درقرآن شریف نوشته کند، مهر کندوامضا کند ومنهم مهر وامضا مینمایم تا باور تو بیاید که او به تو همکارات خیانت نمی کند. حبیب الله کهدامنی گفت زور قرآن را کسی ندارد، سروجانه فدای قرآن. مجددی ها خوشحال شدند و دوان دوان بطرف کابل آمدندوبه عجله خود را به ارگ به نزد نادر رساندندو قضیه رابرایش گفتند. نادر ازین خبر سخت خوشحال شدوبه حضرات مجددی گفت که کارساده است، اگر او (حبیب الله کههدامنی) به این سادگی تسلیم شود، من نه دریک قرآن بلکه درصدهاقرآن امضاومهر میکنم وبرادران خودراهم میگویم که ایشان مهروامضانمایند. هفت جلد قرآن عظیم الشان را آوردند ودر هر کدام آن نادر وبرادرانش هاشم، عزیز (پدر داوود)، شاه ولی وشاه محمود مهروامضا کردند که اشار تاودالاتا حبیب الله کلکانی وهمکارانش را نمی کشیم . پروفیسر رسول رهین نویسندهٔ مبارز ومحبوب شمالی مینویسد که نادر درحاشیهٔ قرآن عظیم الشان چنین نوشت: (... بعداز تعارفات معمول: تهور نشان امیر حبیب الله خان وارکان محترم شان باعافیت باشند!) قرار آیهٔ کریمهٔ(ان المؤمنین الاخوه) که مسلمانان برادرهم بوده ودرحقوق باهم مساوی اند. بنابر مکاتیب گذشته من تذکار داده بودم که بابدبرای انتخاب شاه آیندهٔ کشور لو به جرگه صورت گیرد لیکن سران اقوام وقبایل وروحانیون و دیگران مرا وادار نمودند که این وظیفهٔ خطیر اتمقیل شوم، نظربه شرایط حساس ناگزیر این درخواست رااجابت نمودم. بنابر آن مرامنحیت برادر بزرگ قبول نموده باهم همکار شویم تا بااتحاد کامل به تشکیل یک حکومت دارای قاعدهٔ وسیع رالاساس گذاریم . بازهم تذکار میدهم هرگاه کشور آرام شد، بازهم به تشکیل لویه جرگه اقدام خواهم نمود .

من نظربه وعدهٔ قبلی، هر مقامی را که برای خود ودوستان خودتان انتخاب می نمایید، قابل قبول من است. نظربه شرایط حساس کابل (دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر غلام محمد دستگیر

تفکیک وقوع بعضی از حوادث

در زمان مجاهدین و ویرانی کابل (۱)

خوانندگان گرانقدرو وطندوست هفته نامهٔ امید: درین قسمت شمارابه حوادث سالهای ۱۹۹۷و ۱۹۹۸ آشنایمسازم. آرزو مندم بدقت مطالعه فرمایید.

درسال ۱۹۹۷: ۵جنوری ۴۷در اثر حملات هوائی بضد طالبان انفجار شدیدی در کابل رخ داد که ۷ نفر هلاک و ۶۹ نفر زخمی شدند. ۲۷ جنوری قوای قوماندان مسعود و جنرال دوستم با یک انفجار کو تل سالنگ رامسدود کردند. ۳۰ جنوری قوماندان مسعود پایگاه عسکری خود را به اندراب که بین پنجشیر و کو تل سالنگ موقعیت دارد انتقال داد. ۲۷. ۲ فبروری اهالی پهلود و تگاب ولایت وردگ، بضد استاد کریم خیلیلی قیام کردند. ۴۷.۹ مارچ پوهتون کابل که بعد از تسلط طالبان مسدود شده بود مجدداً بفعالیات تعلیمی شروع کرد. ۴۷.

۲۷ اپریل استاد ربانی رئیس جمهور کنار رفته بعداز ماه سپتمبر ۱۹۹۶ به تالقان مرکز ولایت تخار رفته و این شهر را بیحث مرکز حکومت خود قلمداد کرد و تا هنوز پریزیدنت ربانی ازطرف ملل متحدو اکثریت کشورهای جهان بیحث رئیس جمهور حکومت قانونی افغانستان شناخته شد. ۴۷ (فلهذا، طالبان باغیان اند و اشرار که بضد یک حکومت اسلامی که در راس آن یک عالم دین قرار داشته و ازطرف ملل متحد جهان شناخته شده اسلحه بدوش گرفته اند).

۱۵ می بارانها وسیلاهای شدیددر ۱۰ ولایات شمال افغانستان ۱,۳۰۰ خانه- ۱,۰۰۰ آسیاب- ۱,۹۰۰ حیوان و بسیاری از زمینهای زراعتی را از بین برده که در اثر آن ۲۰,۰۰۰ نفر از اهالی این ولایت خساره مند شدند. ۱۹ می قوماندان عالم‌الملک که برادرش رسول پهلوان سال گذشته بقتل رسیده بود از جنرال دوستم روگردانده به طالبان پیوست وهم قوماندان ملک-اسمهیل خان والی اسبق هرات را که از متحدین استاد ربانی بود با یکعه از افرادش دستگیر و به قندهار مرکز اداری طالبان انتقال داد. ۲۲ می جنرال ملک بادوصد افراد خود در ولسوالی اندخوی راه پیشرفت طالبان را جانب میمنه مسدود کرد. ۲۶ می ترکیه وبکروز بعد ایران قونسلگرهای خود رادر مزارشریف مسدود ساختند. ۲۸ می قوای طالبان بشهر تالقان داخل میشوندو در گیربهای بین افراد جنرال ملک و طالبان درشهر مزارشریف رخ میدهد که در نتیجه طالبان باشکست هائیکه ازطرف قوای حزب وحدت وملیشیای ازبک جنرال ملک برایشان تحمیل شد، مواجه شدند. طالبان مزارشریف را ترک میکنندوبه تعقیب این جنگ صلیب احمر ۳۰۰ جسد رادر ظرف ۴۸ ساعت از مزارشریف جمع آوری کرد. ۲۹ می قوای مسعود گلپهار- جبل السراج و چاریکار را مجدداً بدست آورد. ۴۷.

۱۷گست شورای مصالحه و وحدت ملی به ابتکار استاد عبدالستار سیرت بمنظور یافتن راه حل سیاسی معضلهٔ افغانستان و قطع جنگ و خونریزی-اعادهٔ صلح وامنیت-حفظ وحدت ملی وتماحیت ارضی و کشوربربرای دوروز کنفرانس را درشهر فرانکفورت جرمنی بشمول یکعه افغانهای داخل وخارج دایر کرد. ۲۱گست عبدالرحیم غفور زی که بتاریخ ۱۳گست ازطرف اتحاد مخالف طالبان بیحث صدر اعظم تعیین شده بود در اثر سقوط طیارهٔ که اورا به بامیان میبرد پدروود حیات گفت. ۲۸گست در گیربهای شدید درخیون ودرهٔ نور ولایت ننگرهار جریان داشت. ۴۷.

۳۰ سپتمبر جنرال دوستم و جنرال عبد الملک درمقابل طالبان با هم متحد شدند. ۴۷. ۱۴کتوبر جنرال ملک به مزار شریف بر میگردد و جبههٔ جنگ در ۴۰کیلومتری مزارشریف قرار دارد. ۹. ۴۷نومبر جنگ بین طرفداران جنرال دوستم متحد حزب وحدت وجنرال عبدالملک عضو اتحادمخالف طالبان به شدت در جریان است، افراد دوستم شهر اندخوی ولایت فاریاب را بدست آورد و جنرال عبدالملک به میمنه مرکز فاریاب رفت. ۱۰نومبر پاکستان سعی میوزرد تاکرسی نمایندگی افغانستان رادر ملل متحد که فعلاً در اختیار نمایندهٔ حکومت مرکزی قبل از طالبان است؛ آزاد بسازد. ۴۷.

۲ دسمبر ۵۱ محبوس طالبان که توسط احمد شاه مسعود آزاد شده بودند توسط کمیتهٔ بین المللی صلیب احمر به طالبان تسلیم داده شد. ۱۶ دسمبر شورای امنیت ملل متحد موضوع تحریم صدور اسلحه را به افغانستان رو بدست گرفت در حالیکه اتحادیهٔ اروپا قبل از دسمبر ۱۹۹۶ تحریم صدور اسلحه به افغانستان را شروع کرده بود. یکروز بعد در ۱۷ دسمبر پروگرام غذائی جهان فرستادن ۲,۵۰۰ تن مواد غذائی مخصوصاً ارد را به هزاره جات از طریق یک پل هوائی پشاور- هزاره جات شروع کرد. ۴۷.

در سال ۱۹۹۸: ۱۱ جنوری ۴۸الاخضر براهیمی اظهار کرد که ممکن است اولین تماسها بین نماینده های ایران- با کستان و امریکا راجع به قضیهٔ افغانستان صورت گیرد. ۲۰ جنوری سردی هوا در کابل به منفی ۱۲ تا منفی ۱۹ درجهٔ سانتیگرید پایان آمده و یک دالر از ۲۶,۰۰۰ افغانی به ۳۳,۰۰۰ افغانی بلندرفت. ۳ فبروری کمسیون اروپائی زنها دربروسل مرکز بلجیم به وسیلهٔ چندین خانمهای عالیمقام چون برندگان جایزهٔ نوبل- وزرا وروشنفکران مبارزه را بطرفداری زنان افغان پیاده کردند. ۱۳ فبروری قوای مخالف طالبان (حکومت) قلعهٔ زال را در نزدیک حیرتان بنصرف در آوردند. ۲۵ فروری باران وسیلاهای شدید در جنوب افغانستان سبب قتل ۳۰ نفر گردیده ۳۰,۰۰۰ نفر را بیخانمان ساخت، ۲۸ فبروری روزین المللی زن زیر شعار(گلی برای زنهای کابل) برگزار شد. ۴۸.

۱۴ مارچ جنگهای شدیدبین دوستم وحزب وحدت که هر دو مخالف طالبان اند در مزارشریف در گرفت. ۱۸ مارچ بعد از جنگهای خونین چهار روز قبل صلیب احمر بین المللی و ساتر نمایندگی های مؤسسات بین المللی از شهر مزار رخت بر بستند و رفتند. ۲۴ مارچ ملل متحد و ساتر نمایندگیهای موسسات امدادی مؤقتاً پروگرامهای خود را در جنوب به تعلیق در آوردند. ۳۰ مارچ ۷,۰۰۰ نفر طالبان نزد اتحادمخالفین(حکومت) محبوس بود که از جمله ۱۲۰۰ نفر آنها نزد قوماندان احمد شاه مسعود زندانی بودند، او ۶۵ نفر شانرا آزاد ساخت ؛ مصونیت رساندن آنها برامراج مربوطهٔ شان موسسهٔ صلیب احمر بدوش گرفت. ۴۸.

۱۷ اپریل بل ریچارلسن نمایندهٔ مخصوص پریزیدنت کلتن با نمایندهٔ طالبان واتحادشمال در کابل بمذاکره نشست و بازهم بهمکاری ملل متحد در کنفرانس کشورهای اسلامی بتاریخ ۲۵ اپریل بانماینده های بعضی از گروههای افغانی در اسلام آباد ملاقات کرد. ۴۸.

۱۱می جنگهابمنظور کنترل شهر مزارشریف بین قوای جنرال دوستم و حزب وحدت شدیدتر میشود . ۳۰می زلزله های شدید به قوهٔ ۶.۹ درج ریشتر (واحد زلزله سنج) مناطق رساق، چاه یاب ولایت تخار وشهر بزرگ ولایت بدخشان را تکان داد که در اثر آن ۵,۰۰۰ نفر کشته شد- ۲۱قریه در رساق و ۲۶قریه در چاه یاب و ۳۰قریه در شهر بزرگ منهدم گردید تعداد کسانیکه بی سر پناه شدند ۴۵,۰۰۰ نفر بودند. ۴۸.

۸ جولای یکی از قوماندانها طالبان بنام عبداللطیف بادوصد نفر از افر دخود در امام صاحب ولایت قندز از طالبان برگشته و به قوماندان مسعود یکجا گردید، ۲۱ جولای راپور داده شد که جلسهٔ شورای مصالحه و وحدت ملی افغانستان بریاست استاد عبدالستار سیرت از تاریخ ۱۸ الی ۲۱ جولای بمنظور حل عادلانه و مسالمت آمیز قضیهٔ افغانستان از طریق لویه جرگه درین دایر گردید؛ درین مجلس بیش از دوصد نفر از شخصیت های ملی، قومی، جهادی، سیاسی، علمی واهل خبره از تمام ولایات افغانستان وهیچنان یکعه از (دنباله در صفحهٔ ششم)

تفکیک موضوعات ... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

دانشمندان – روشنفکران و شخصیت‌های مؤثر وطن بشمول خانمها از سراسر جهان اشتراک ورزیده بودند. ۲۸ جولای اتحادیهٔ اروپا درصورتی کمک‌های بشری خود را مجدداً در افغانستان شروع خواهد کرد که به مصونیت و آزادی کار کرده بتواند. در آخرجولای ایران همهٔ افغانانی را که بدون ویزه به شمال شرق ایران پناه برده بودند به کمپها جاداده آنها درین اردو گاه ها منتظر تعیین سر نوشت خود روزشماری داشتند؛ تقریباً دو ملیون افغان در ایران بودند که از آنجمله مسؤولیت صدصفر آنها بدوش کمیساری عالی ملل متحد برای پناهنده ها تحمیل شده بود.۴۸د. ۱۶گست شورای امنیت ملل متحد آتش بس بدون قید و شرط را ازهمه جوانب درافغانستان تقاضا کرد.۴۸۸سپتمبرقوای احمد شاه مسعود حسین کوت را در۲۵ کیلومتری شمال کابل بدست آورد۴۸. ۱۸اکتوبراگرچه میدان هوائی کابل بصورت دوامدار تحت ضربات راکنهای مخالفین قراردارد لذا برای اینکه طیاره های مربوط به صلیب احمر بین المللی و سایر مراجع امدادی بتوانند به میدان هوائی کابل فرود آیند، قوماندان احمد شاه مسعود موافقت خود را به آتش بس چند ساعته اعلام کرد. ۲۳اکتوبر با فتح دشت ارچی، قوماندان مسعود درجههٔ جدیدی درزندگی خواجه غار در سرحد تاجکستان شروع فعالیت کرده و برای حمله به ختجان در شمال کوتل سالنگ امداد گی میگير۴۸د.

۳نومبر ملاعمر ۱۰۷ نفرزندانی مخالفین را که در سمت شمال توسط طالبان اسیر گرفته شده بودندآزاد کرد. درهمین روزمقامات قرغز ستان کاروانی که ۷۰۰ تن اسلحه وسائر تجهیزات را بنام امدادهای بشری از ایران بقوماندان مسعود انتقال میداد کشف و این کاروان را با محموله آن به ایران بازگردانید. ۱۲نوامبر قوای احمد شاه مسعود دراثرحملهٔ طالبان و کشته شدن ۷۰نفرسرباز در تالقان مجبوره عقب نشینی شد. ۱۵ نوامبر قوای مسعود نهرین ولایت بغلان و دشت ارچی و ولایت قندزو یکحصهٔ از خان آباد و امام صاحب را بدست آورده صدها نفر افراد طالب را نیزدستگیر کردند. ۱۷ نوامبر قوای قوماندان مسعود نجراب را بتصرف درآورد. ۳۰نوامبر مخالفین طالبان به همکاری هزار ها نفر از باشندگان سنگچارک ولایت جوزجان موفق بتصرف دوبارهٔ این شهر شدند۴۸.

۳دسمبر برای فرونشاندن شورش مردم که علیه قوانین و مقررات موضوعهٔ طالبان قد علم کرده بودند طالبان هزارهافرنر دیگر راجهت تقویهٔ قوای خود به ولایات فاریاب – جوزجان – سمنگان و بغلان اعزام کرد (عوض مذاکره و مفاهمه تهدیدات را زیاد کردند). ۱۳ دسمبر در اثر حملهٔ راکنی قوای مسعود به نزدیکی میدان هوائی کابل و ولایت پروان ۳۳نفر افراد ملکی هلاک و ۵۰ نفر زخمی شدند. ۲۳ دسمبر دراثرجنگهایکه در مناطق مرکزی وشمال افغانستان دوام داشت ولسوالیهای لعل سرچنگل – پنجاو – و دابکندی بتصرف قوای مسعود در۴۸د. / (دنباله دارد)

جوان آینده از توست (دنباله ازصفحهٔ دوم)

گوینده ویشتاز روز تاریخی حلف وفاداری رئیس جمبورمتقلب که به زور بادارش برشانه های ملت ما بارشده هاغه فاروق وردک از کابل پرس: (فاروق وردک، جاسوس استخبارات پاکستان و انگلستان، دختران دانش آموز را مجازات میکند! سه شنبه۷می۲۰۱۳ ... در جدیدترین واکنش وزارت معارف افغانستان به این حملات، فاروق وردک میگویددر نمونه خون دانش آموزانی که ادعای مسومیت را دارند، مادهٔ سمی وجود ندارد. او گفت حالت دانش آموزان و آموزگاران مصنوعی میباشد و آثارابه دروغ متهم کرده. او گفت این عمل کمتر از تروریسیم نیست و به محاکمهٔ این دانش آموزان وآموزگاران دست خواهد زد.) این بود مجملی که مفصلش را خود میداند.

دگر به هیچ کسی الفت و وفا نکم
دل ستم زده را با کس آشنا نکم
هزار جان گرامی و دولت جاوید
چرا فدای جوانسان با وفا نکم

شادروان استاد عبدالاحمد جاوید

چشم امید همه هم مېهان به جوانان دانشمندو آگاه و دراک دلسوزبه مېهن و هم مېهان بسته است. امروزه هزارپیارگی ها وخون وجان دادنها مېهن ما به جای رسیده که باید از این خط پس گرد نکنند. همان گونه که جانبازانه به پای صندوق های رای رفتند و همبستگی وهمدیگری پذیری راامتحان نمودند؛ همین جوانان دخترو پسریا آگاهی ها از راه و روش حرکتها و جنبشهای آرام مردمی با پایمردی و استواری درهای ارگ و کمسیون انتخابات را باگردهمایی های صد هزارفری ببیندند!ناخوستهای شهروندان بر آورده نشود، دست اطلب برندارند. مثل مشهوراست حق گرفته میشود؛ داده نمیشود. مهمتراینکه دریک اپوزیسیون استوارهم گپ وهم آواز باآبرو در برابر این خود کامگان باید ایستاد و نگذارید که بازی با سرنوشت و زندگی خودشما و فرزندان شما نمایند.

سگ من گرگ راه بند منست
بلکه قصاب گو سفند منست
بر امانت خیانتی بردوخت
وان امینی به خائنی بفروخت
نظامی گنجوی
ایتمه گپ ناشنوی وسرتبگی این مغزمتغفن بنام اشرب عنسی احمدزی اینست که در انتخابات شورای ملی بازمه گو سفند چرانی واین بارخردواینکنند. جوان! آینده از توست وبدست تو وبا خردواندیشه ودراکی و وقت شناسی توست. مسائل که قربانی بی تفاوتی های خان وملک وویگ وسایه خدا ... شده به آخر زندگی رسیده ایم؛ پدران ما آرزو بدل زیرخاک رفتند نکند که نسل ما نیز چنان سرنوشت داشته باشیم.

باین نغز گفتار روانشاد بانو پروین اعتصامی (رح) این نوشتار را پایان می بخشیم. محتسب مستی به ره دیوبو گریبانش گرفت
مست گفت: ایدوستن این پیراهن است، افسار نیست
گفت:مستی، زان سبب افتان و خیزان میروی
گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هـــــموار نیست
گفت: می باید تو را تا خـــــــانه قاضی برم
گفت: رو صبح ای، قاضی نسیمه شب دیدار نیست
گفت: نزدیک است والی را سرا، آنجا شویم
گفت: تا داروغه را گویم، در مسجد بخواب
گفت: مسجد خواب گاه مردم بـــــدکار نیست
گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان
گفت: کار شروع کار، در هـــــم ودینار نیست
گفت: از بهر غرامت، جامه ات بیرون کم
گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست
گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه
گفت: ای بی خود شدی
گفت: ای بی هوده گو، حرف کم و بسیار نیست
گفت: باید حد زند هشتیار مردم، مست را
گفت: هشتیاری ییار، این جا کسی هشتیار نیست

(دنباله ازصفحهٔ سوم)

ضعیف ساخته میشد. حملهٔ ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ بر امریکا ناشی ازهمین طرز تفکر بود. عزام یخاطرداشتن نظریات افراطی درسال ۱۹۸۰ از اردن اخراج شد وبه صفت یک دانشمندبرجستهٔ علوم اسلامی دردانشگاه ملک عبدالعزیز درجدهٔ به تدریس پرداخت. در آنجا با اسامه که شاگرد دانشگاه بود، آشنایی پیدا نمود. در زمان ریاست جمهور جنرال ضیالالحق، به کرسی استادی دردانشگاه اسلامی اسلام آباد نایل آمد، زیر نفوذ نظریات جهادی جنرال ضیاء درافغانستان، شیوهٔ زندگی اش تغییر بنیادی کردودرامورجهاد از پاکستان به وخامت پرداخت.

داکترعزام درسال ۱۹۸۷ درتشکیل سازمان مقاومت اسلامی فلسطین که بنام (حس) شهرت دارد، نقش داشت که تا کنون سازمان حس از توجّهٔ عزام بر آن سازمان یادمیشود. خالدمشعل رهبرسازمان حسس دربارهٔ مرگ اسرار آمیزداکترعبدالله عزام طی یک مصاحبه درسال ۲۰۰۹ بیان داشت: (عزام یک شخصیت بزرگ بود، مادرسازمان حسس مدیون خدمات اومیباشیم.) (ستون ۲)

داکتر محمداسماعیل رضایی

کسل – آلمان

حقایق چنین است

نامهٔ سرگشاره به آقایان **دآکتران آحمزی وعبدالله، رؤسای محترم ریاست جمهور وریاست اجرائیه!**

محترمان شما که بادرایت علمی خود، کمر بسته اید تااین کشتی ورشکسته را نجات بدهید، وبه نیازمندی های اساسی مردم رسیدگی نمایید، نهایت امتنان به عرض رسانده هم انتظاراقدامات عملی شمارا داریم.
طوریکه ازطریق رسانه هاشنیده میشود، مجادله علیه فساد اداری و جلب سرمایه گذارهای خارجی رااعلام نموده اید. پهرحال، سلف شما در گذشته غفلت نمود و ازملیاردهادالر کمکهای بین المللی کدام صورتحساب به ملت ارائه نکرد، چون که کدام پروژهٔ بزرگ که زیر بنای مهم اقتصادی ازقبیل بندآب بالای رودخانه های خروشان وطن، ودیگر نیازمندهای اساسی، آب آشامیدنی و کانالیزاسیون شهرو تنویر اقدام اساسی صورت نگرفته، صرف به کندن چاههای عمیق در کنار میرز ها اکتفا شد. به عقیده ام موضوعات قابل غور دقیق ذیل اجرات لازمه رایکار دارد. درباره نظریاتم را طورمختصراائه میکنم:

۱-اعلام مقرری های اعضای کابینه ازشاخص متخصص باتجربه و صادق وطن، ومجادله علیه فساد اداری .
۲-فراهم آوری امنیت سراسری، فیصلهٔ نهایی طالب خوب وطالب بد!
۳-تقاضای پرداخت خسارت ازدولت فدراتیف روسیه،
۴-تنظیم بودجهٔ دولت و توازن سطح قیم ویلاس تادیات، جلوگرفتن غصب زمین وداراییها واملاک دولتی وشخصی،
۵-مجادله دربرابر کشت کو کنار و تولید مواد مخدر، عراقدهامات علیه برنامه های غلط -شهرسازی، جلوگیری ازآلودگی آبهای تحت الارضی و کثافات هوایی شهرها، همچنان نکات آتی توجّهٔ عاجل واقدامات لازم را ایجاب می کنند:

درادارات چو کی های عمدۀ مخصوصاً درولایات به سرفقلی داده میشوند، ودر نتیجه رعایت اصل شایسته سالاری مفقود میباشد، فراهم آوری زمینهٔ کاربرای جوانان اعم از دختر وپسر، ایجادشرایط امن به سرمایه گذارهای خارجی و داخلی، حمایت واقعی، نه لفظی ازتولید داخلی درهرزمینه، انزاساجی وسمنت و موادخوراک، تا کفکش دوزی ویلاس دوزی و کلیه اموال واجناسی که درداخل کشورتیه و تولید میشود، دربرابر اجناس مشابه خارجی، توسط تجارتمنفعت جو، که تمام مبنایه اقتصادتولیدی ما را تباه می کنند.

وبالآخره، تهیهٔ یک راهکار شفاف وقابل عمل دربرابرحرکات مودبیانهٔ همسایگان، ازتربیه و تجهیزو تسلیح دهشت افگانان، تا رفع موانع مصنوعی که آنان در حفظ و تسهیل واردات کالا به داخل کشور ایجاد می دارند.

دراخیرمتذکر میشوم که اینجانب بامشارکت بعضی متخصصین آلمانی، نشریهٔ دربارهٔ افغانستان به نشرسانیدیم (حاوی نکات تاریخی تجاوز آشکارشوروپها به وطن ماوجریانات دودهٔ اخیربعداز پیروزی مجاهدین، بالاخره طالبان و کمکهای بین المللی، بشمول قوای ناتو در کشورما، وانتقاد ازاینکه کمکها بهدوررفته و وضع بحرانی موجود). این نشریه تحت اسم من ویک دانشمندآلمانی، به زبان آلمانی موجود است. چنانچه تشریحات بیشتر لازم باشد، شمارهٔ تلفون خودرا نیز درپایان این یادداشت درج میکنم:

M. ISMAIL RESAI – MAUFRED WORTBERG
049/0561-579088

عزام بروز ۲۴ نومبر ۱۹۸۹ بادوپرسش درانفجاریب درپشاور قتل رسیدند. (آوازه بود که گلبدین، عزام رابخاطر آنکه ازمسعودتعریف کرده بود، او را پدیدهٔ تکرارناشدنی خوانده بود، قتل رسانید). هویت قاتل عزام مثل قتل ضیاء درپردهٔ رمزبای ماند. باوجودیکه عزام هماندجنرال ضیا وجنرال اختر عبد الرحمان زنده نماند، تا مشاهده بدارد که رضا کاران خارجی چنان جهان رایس از شکست فرقهٔ چهلم شوروی تغییر دادند، ولی وی ازسال ۱۹۸۹ در تاریخ جهاد نوین بصفت یک برج بلندشناخته میشود.

سازمان سیا شمار رزمندگان خارجی را که تااخیرجنگ به افغانستان و پاکستان رفته بودند، درحلودب ۲۰هزار تخمین میکند. براساس تخمین پاکستانیهاحدود ۳۵مسلمان از۴۳کشوراسلامی، تجربهٔ جنگی رادر کنارمجاهدین حاصل کردند. دههاهزاردیگر درملارس پاکستانی درارتباط جنگ تربیه شدند. همکاری جنگی رزمندگان خارجی اندک بود، ولی سهم تفکر وایدیالوژی شان بسیار برانزده بود. یکی دیگر از کسانیکه به دعوت داکتر عبدالله عزام درسال ۱۹۸۷ به پشاور آمدوبه جهادیوست وآموزگارمجاهدین شد، ابوسعیدسوری بود که درسال ۱۹۵۸ درمنطقهٔ الیو، سوره، بدنبآآمد ودر آنجافعالیت اسلامی داشت. سوری کتابهایی درموردایدیالوژی جهاد والقاعده نوشت. مشهورترین کتاب ابوسعید سوری، دعوت به مقاومت جهانی اسلامی، نام داشت که در ۱۶۰۰صفحه ترتیب شده بود، وبعیث سترازی القاعده شناخته میشد. سوری مثل عزام، جهاد افغانستان رابه صفت تقلای پان اسلامی میشناخت وتلاش داشت آنرا درصدر اولویت های اسلام گرای قراردهد. پس ازشکست شوروی درافغانستان، سوری درسال ۱۹۹۰ به لندن رفت ومقام سخنگوی بن لادن رادراروپا بدست آورد. اولین تأثیرعمدهٔ سیاسی عربهای افغان درسال ۱۹۹۱ زمانی نمودارش که رزمندگان الجزایری ازافغانستان بوطن شان بازگشتندوخوهان اصلاحات درکشور خودشدند. عربهای افغان توانستندباکمک کردن به احزاب اسلامی درانتخابات پیروزشوند. کودتای نظامی ناگزیر شان ساخت که به فعالیت زیرزمینی دست یازند. الجزایری های افغان به بغاوت دهشت افگانه روآوردند، که آن کشور را یک دهه تاآرام نمود. بازگشتی های دیگر ازجنگ افغانستان در جریان دههٔ نود دراسر کشور های اسلامی وفراتر از آنها تأثیر خود راپاچا گذاشتند.

امریکا بشمول سازمان سیا، به عربهای افغان ورضا کاران اسلامی توجه نشان ندادند، تفکر وایدیالوژی شانرا ارزیابی نکردند، درحالیکه درسال ۱۹۹۶ رابرت گیتس معاون سازمان سیا دریافته بود که در شمارعربهاییکه از کشورهای دیگربه افغانستان سفر کرده بودند، تادرجنگ مقدس بضدشوروی اشتراک ورزند، افزایش قابل ملاحظهٔ دیده میشد. آنهااز الجزایر، عراق، سوره وجاهای دیگر بودند. چون سازمان سیا تماس بسیارمحدود مستقیم بامجاهدین داشت، دربارهٔ رضا کاران خارجی جهادمعلومات کافی نداشت. چنانچه رابرت گیتس اخیر اگفته است:(ما خطا کردیم، نفهمیدیم و درک نمودیم که در مراکز رضا کاران چه میگذرد. نام اسامه بن لادن در هیچ نشست قصر سفید ویا سازمان سیا که من اشتراک داشتم، گرفته نمی شد).

جنگ سری سازمان سیا درافغانستان سبب ایجاد رضا کاران نشد، آنها بنابر دلایل خودشان به افغانستان می آمدند، کمونیم وامپریالیسم شوروی سبب ایجاد رضا کاران بود. جنرال ضیاوملک فهد جهادرا بانمویله تشویق میکردند، که شکل واقعی بتود گرفت. رضا کاران از هرسو هجوم آوردند تاافغانها بییوندند. / ختم *****

معرفی کتاب (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

بهرحال، حاضرین نهایت عزیز وفرزانه، درهمین کتابخانه ایکه امروز شمابه تماشای درام (کتاب کتابدار و کتابخانه) آمده اید، هزاران همجو کتابهاییکه چند نمونهٔ ماندگار آنهارا بشماتذکرادم، درقطار آثار کهن وتازهٔ ادبی وعلمی و اجتماعی وفرهنگی وتاریخی درقفسهای رنگین ومرتب وروش جاگزین است، ومن تعدادی ازین گنجینه های پرپرا راخوانده ام که ذکر آنها ساعتها را درمی گیرد. لهذا اینک دراخیر گفتارم مطالب بسیار مهم وقابل غور رابه شمایادآور

میشوم: مدتهاست که من در جستجوی کتاب کیمیای هستم که همه جنگها و دستبردهای خونبار ووبرانگر وتجاوزات وحلات مسلح انسان برانسان را با واقعیت ومثالهای برازندهٔ آن ونعمت صلح وصفای جهانی و دستیابی همگانی به آنرا باهمه امکانات وسایل کنونی، برشتهٔ تحریر آورده باشد، وتوجّه همه دست اندر کاران سیاست وطراحان نظم جهانی وقدرتمندان ورهبران حکمروایان شرق وغرب ونهادها وسازمانهای بین المللی وجهانی رابخودجلب کرده باشد... یقیناً درهمین لحظه ایکه این گفتار رامی شنوید وبه گسترش وتباهی جنگ هاییکه در گوشه و کنار جهان باوبرانها و آتش سوزنهاو کشتار انسانهای صلحخواه وییگاهان پیر و برنا و کود کان وزنان جامعهٔ انسانی جریان دارد، شما فرزانگان در فکرواندیشهٔ خودطرح و چگونگی نوشتن چنین کتاب رهنما ورهگشا را مدنظر خواهیدداشت. من نیز درقطار شما عزیزان، در جستجوی طرح ریزی انتشارچنین کتاب هستم، کتابی که درتپیه وتحریر وتکمیل آن نویسندگان آزموده وچیره دست جهان، برندگان جایزهٔ نوبل صلح، نمایندگان نهادهای حقوق بشر، خیر خواهان ویک اندیشانی که از تبعیض و افراطگری مذهبی وقومی میرا باشند، علمایی که به محبت وعدالت خداوندی وارزش زندگی وکرامت انسانی معتقد باشند، حقوق دانها ومورخین ومتجسسین ویژوهشگرانی که علل وواقعیت خصوصتهاو تقاضهای جامعهٔ بشری وخصصاً ملل همچوا، و انگیزهٔ جنگ افروزنهاو پیامدهای فاجعاک آنرا دریابند وراه وجارهٔ وقایه وجلوگیری از تکرار آنرا درپرتو قضاوت سالم برملاسازند، شجاعانه و مدبرانه همکاری کنند...

این کتاب پس از تحریر وتکمیل وبررسی دقیق آن، بامساعی و مصارف سازمان ملل متحدونهادهای صلحو، بدسترس نمایندگان واقعی ملل جهان گذاشته شود تابه مسئولین حکومتهای مربوطهٔ خود رویت دهند. مطالب این کتاب صلح جهانی نخست به زبان مروجهٔ انگلیسی وسپس به تمام زبانهای زندهٔ جهان ترجمه وتشرشود ودرهمه وسایل ورسانه های خبری امروزی اشاعه یابد، وفشردهٔ مطالب عمدهٔ این کتاب بدسترس شاگردان ومحصلان معارف گذاشته شود....

اینک این طرح رابه قضاوت وبررسی شما کتاب خوانهای فرزانه و روش بین میگذارم، تا درارائه نظریات پهیخواهانهٔ خود ودر تعدیل یا تزئید مطالب آن مدبرانه سهیم گردید. درپایان گفتار چندبیت ازمولانا را ازدیوان شمس می آرم:

ای عاشقان ای عاشقان امروز مایم وشما

افتاد درغرقای ای تاخود که داند آشنا

گر سیل علام برشودهرموج چون اشترشود

مرغان آبی راجه غم تام خورد مرغ هوا

مارخ به شکرافروخته باموج ویحر آموخته

ز آن سان که ماهی رابود دریا وتوفان جاقفرا

ای شیخ مارا غوطه ده وین آب مارا غوطه ده

ای موسی عمرانییا برآب دریازن عصا.

مرگ برفشیت های جنایتکار... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

پکتیکاومه روزه در کابل، هیچ نوع واکنشی درمقابل طالبان نشان ندادونخواهد داد. کرزی یک طالب واحمدزی یک طالب دیگر! خداوند مردم ما را از شر این جنایتکاران بزودی نجات دهد.

جای تعجب نیست که اکنون مذاکرات پنهانی احمدزی باطالبان برملا شده است. غنی احمدزی به پاکستان وعده داده که یک دکاتورفاشیستی رابه اشتراک طالبان رویکارخواهد کرد. این عمل شنيع وضدملی غنی احمدزی، باواکنش های شدید درداخل وخارج مواجه شده است، که درهفته های آینده مردم مشاهد نابکاری های بیشتررئیس جمهور فاشیست خواهد بود! /

تولیزبون ژوندون ... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

نمیتوانم درین جلسه اشتراک نمایم، لذا برادرم راین هیئت محترم نزدشما فرستادم تا تضمین گفتارمن باشد. بنابر آن من نادرشاه به این قرآهای مجید قسم یادمیکم اینکه شما واعضای حکومت تان را با کمال مصونیت بکابل دعوت نموده ودرحکومت اشتراک داده ودر پیمان خود صادق میباشیم. اینک در شش جلدقرآن پاک درحاشیهٔ آن امضاومهر نمودم وبرای تضمین گفتارخود این هیئت که بعنوان شاهد برگفتار وقول من است، نزدشمافرستادم. فقط، امضاء: محمدنادرشاه! این هفت جلدقرآن مجید درآرشیف ملی درکابل موجود است. /(دنباله دارد)

فاروق وردک با امرهای فوق‌العاده افراد بی‌سواد را اسند می‌دهد

اول دسمبر/کابل – روزنامهٔ ماندگار: سرپرست وزارت معارف، بر خلاف لواج و طرزالعمل‌ها با امرهای فوق‌العادهٔ خویش، شاگردان محروم، مکتب‌گریز را شامل امتحان ساخته و این کار دردسر تازه را به برخی از مکاتب شهر کابل ایجاد کرده است. شماری از مسؤولان مکاتب شهر کابل اسنادی را در اختیار روزنامهٔ ماندگارقرار داده‌اند که نشان می‌دهد فاروق وردک وزیر معارف بر خلاف طرز العمل‌های این وزارت، افرادی را شامل امتحان سالانهٔ مکاتب کرده است که بیشتر از ۱۴ اروزغیرحاضر بوده‌اند. این درحالیست که بر بنیادین اسنادو مدارک، برخی از افرادی که کمتر از ۸۲روزغیرحاضر بوده‌اند، «به دلیل این که پول و واسطه ندارند و در وزارت معارف کسی را نمی‌شناسند» محروم امتحان شناخته شده‌اند. مسئولان برخی از مکاتب شهر کابل از مصلحت‌گرایی‌های وزیر معارف به ستوه آمده‌اند. آن‌ها همچنان می‌گویند که زیر نام «امتحان سامع «از شماری از افراد بی‌سواد، مکتب‌گریز و اخراجی که واسطه دارند و پول دارند، امتحان گرفته شده و سند صنف دوازدهم به آنان داده می‌شود.

براساس اسنادی که در اختیار روزنامهٔ ماندگار قرار گرفته، یکی از مکاتب شهر کابل، با استناد به لواج وزارت معارف و ریاست معارف شهر کابل، امر سر پرست وزیر معارف را مبنی بر گرفتن امتحان از یکی از شاگردان محروم رد کرده؛ اما سرپرست وزارت معارف طی امر فوق‌العاده‌یی خواستار شمولیت شاگرد متذکره در امتحان شده است. این معلمین از رهبری دولت وحدت ملی به ویژه دکتر اشرف‌غنی رئیس‌جمهوری کشور و داکتر عبدالله رییس اجراییه خواسته‌اند که جلو مصلحت‌گرایی‌ها و روابزی‌های سرپرست وزارت معارف را بگیرند.به گفتهٔ آن‌ها، مصلحت‌کردن و روابزی کردن دربارهٔ معارف، خیانت به علم، دانش و در نهایت افغانستان است.

این شکایتها درحالی صورت میگیرد که طی چندسال گذشته در کنار عالمان دین وافرادصاحب فهم ودانش، صدهاتن ازافرادبیسواد و کم‌سواد براساس شناخت، واسطه‌بازی واز معیبت تعلیمات اسلامی وزارت معارف طی یک امتحان نمادین و سمبولیک، سند صنف دوازدهم و چهاردهم را به‌دست آورده‌اند.

شانزده طالب مسلح کشته شدند

۳نومبر/کابل –بaxter: نیروهای امنیتی درجندفعالیت درولایات کنر، ننگرهار، ارزگان، فراه، لوگر وقندهار ۱۶طالب مسلح را کشته، ۴زخمی و ۵طالب راباز داشت کردند. درفعالیتهای متذکره مقداری جنگ افزار سبک و سنگین نیز بدست نیروهای امنیتی افتاده است.

بازگشت همه به سوی اوست
- وفات بانو یی یی شریفه توروايانا را در ورجينيا، به خانواده های محترم توروايانا، سراج و شیرزی صمیمانه تسلیت میگویم .
امید مر حومه توروايانا آخرین فرزند امیر حبیب الله سراج شهید بود، وشوهرش شادروان نجیب الله توروايانا از بزرگان علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی افغانستان بود. درشمارهٔ آینده، مطلب مشروحي درباب این زوج خدمتگزار افغانستان تقدیم خواهد شد.
اداره

دعای طلب شفای کامل

از بارگاه یی نیاز ایزی نیازمندم که دوست فرزانه، همنصفی عزیز ویی بدیلم، داکتر عبدالغفور روان فرهادی، عالم، نویسنده ودیپلمات خیراندیش وطن راء، که در کالیفورنیا دربستر مرضی است، شفای کامل نصیب گرداند، وعمر دراز بدهد.
پروفیسرداکتر لطیفی /

همه همکاران هفته نامهٔ امید و هموطنان گرامی، دعای جناب پروفیسرلطیفی را همراهی کرده، ازبارگاه رب اعزت، صحت یابی هرچه زودتردانشمنذبزرگ افغانستان جناب داکتر فرهادی را تمنا کرده اند.
اداره

دربارهٔ جاسوسان لب به سخن بکشاید

اول دسمبر / کابل - روزنامهٔ ماندگار: اعضای مجلس سنا ضمن قدر دانی ازنیرو های امنیتی به منظور مبارزه با حملات انتحاری، از مردم افغانستان می خواهند که در تأمین امنیت کشوربانیروهای امنیتی بیشتر همکاری کنند.
فضل هادی مسلمیار رئیس مجلس سنابااشاره به افزایش حملات وناآرامی هادر کشور به ویژه در کابل گفت:دشمنان مردم افغانستان نمیخواهنددر کشورنظام باثبات ودموکراتیک استقرار یابد؛ لہذا بر مردم است که درپهلوی قوای مسلح ایستاد شوندو در برابر غلامان بیرونی مبارزه کنند.»آقای مسلمیارازنیروهای امنیتی بعنوان پاسداران منافع مردم افغانستان یاد کرد و افزود: لباسی که نیروهای امنیتی به تن می کنند، نشانهٔ عزت ملی افغانستان است. او تأکید کرد که باید فاصله میان دولت و مردم از میان برداشته شود.

علی اکبر جمشیدی دیگر عضو سناخاطر نشان کرد: «همه می دانند که پشت سر تمام چالشهای امنیتی افغانستان دست استخبارات بیرونیست.»آقای جمشیدی بیان داشت: «حکومت باید بخش های عقیدتی و تبلیغاتی را از طریق وزارت حج و اوقاف و شورای علما فعال سازد تا آنان به مردم و آثانی که به شوق بهشت انتحار می کنند بفهمانند که هم خود را هلاک می کنند و هم باعث از بین رفتن افرادی بی گناه می شوند.»این سناتور هشدار داد: اگر حکومت متوجه نباشد و از طریق مساجد، تکیه خانه ها و منابر چنین تبلیغاتی را به راه نیاندازد، با سرنوشت حکومت «امان الله خان «»چار خواهد شد.

آوازه هایی وجود دارد که مجریان حملات با حمایت جاسوسان خارجی در موثرهای زره دار وارد کابل می شوند و بر اهداف معینی حمله می کنند. در همین حال، نثار حارث درین مورد گفت: «آوازه هایی وجود دارد که دشمنان مردم افغانستان در حکومت به ویژه در صفوف نیروهای امنیتی رخنه کرده اند وتورویستان راباموثرهای زره ازولوگر ومیدان وردک به کابل انتقال می دهند؛ اگر چنین نباشدچطور انتحار کننده ها بدور ازچشمان نیروهای امنیتی وارد مناطق مهم کابل می شوند .»آقای حارث با تأکید از حکومت به ویژه نیروهای امنیی خواست که لب بگشایند و افراد جاسوس را افشا کنند.

فضل هادی مسلم یار نیز تأکید ورزید که جاسوسان باید افشا شده و به اشد مجازات محکوم شوند تا دیگران از آنان عبرت بگیرند. سناتوران گفتند: کار دشمنان مردم افغانستان به حدی رسیده که آنان بر زنان، کودکان و موسفیدان رحم نمی کنند و حتا بر مساجد حمله می کنند.

رئیس مجلس سنا، یار دیگر بر تغییر استراتژی حکومت در مبارزه با دشمن و جنگ علنی با پاکستان تأکید ورزید و گفت: تلفاتی که ما در ۱۳ سال گذشته از جنگ استخباراتی پاکستان متقبل شده ایم؛ بهتر بود که جنگ علنی می کردیم؛ در آن صورت جبههٔ جنگ معلوم می شد یا ما به اتک می رسیدیم یا آنان تا به کابل می رسیدند.

تذکره های الکترونیکی آمده توزیع است

۲دسمبر / کابل - صدای امریکائژنیس عملیاتی توزیع تذکره های الکترونیکی میگوید روند توزیع این تذکره هاپس ازصدور امر رئیس جمهور آغاز میگردد. نصیر احمد امین گفت آن اداره بریاست جمهور مکوب فرستاده و ازژنیس جمهور خواسته تا تاریخ آغاز توزیع تذکره های الکترونیکی را مشخص سازد. او ابراز اطمینان کرد که به محض برگشت رئیس جمهور از نشست لندن، تاریخ توزیع تذکره های الکترونیکی مشخص شده ونخستین تذکره به رئیس جمهور داده خواهد شد. این روند از شهر کابل آغاز میشود و در مدت یکسال بهمه باشندگان این شهر تذکره توزیع خواهد شد.سوپس به ولایات گسترش خواهد یافت و این روند درسراسر کشور پنج تا هفت سال را در بر خواهد گرفت.

امین گفت توزیع تذکره های الکترونیک براساس فورهای خانوادگی ودر حضور نمایندهٔ ثبت احوال نفوس صورت میگیرد، پس به گفتهٔ وی این پس شهروندان خارجی قادر نخواهند بود که تذکره های تابعیت افغانستانی بگیرند. تذکره های الکترونیکی به زبانهای پشتو و دری چاپ می شود ودر عقب آن تمام مشخصات فرد به زبان انگلیسی نوشته خواهد شد.

کارشکنی در برابر شهرداری کابل

۲ دسمبر / کابل - نور تیوی: جاده گنرگاه کابل به تازگی به شکل پخته واساسی اعمار شده است. این جاده به کمک مالی ۱۱۲ میلیون افغانی بانک جهانی توسط یک شرکت خصوصی به مدت ۱۰۰ روز اعمار شده است. باشندگان محل از نوسازی این جاده ابراز خوشی کرده میگویندبا اعمار این جاده مشکلات که در گذشته با آن مواجه بوده اند مرفوع شده است.

در همین حال محمد یونس نواندیش شهردار کابل میگوید هنوز قانون شکنی و زورگویی در برابر کار شهرداری وجود دارد.واین مساله برای ساخت وساز در شهر کابل مشکل ایجاد کرده است.

این درحالیست که باشندگان کابل همواره ازنی کیفیت بودن کار شهرداری کابل انتقاد کرده و گفته اند درپروژه هاییکه توسط شهرداری پیش برده میشود فساد وجود دارد واین اداره از کاری که انجام می دهد نظارت دقیق نمی کند.

چهار پلیس در جوزجان شهید شدند

۳دسمبر /جوزجان - باختر: چهار پلیس محلی در نتیجه حمله طالبان بر پوستهٔ امنیتی پلیس محلی قرهٔ آق بلّاق در ولسوالی درز آب، دیشب به شهادت رسیدند. طالبان سه میل سلاح پوسته را نیز با خود برده اند، قضیه تحت بررسی پلیس قرار دارد.

۳۷ طالب به هلاکت رسیدند

۳دسمبر / کابل - باختر: ۳۷ طالب در عملیات تصفیوی نیروهای اردوی ملی که در سه ولایت صورت گرفت هلاک شدند. این عملیاتها در ولایات بادغیس، ارزگان و ننگرهار اجرا نمودند. شماری از طالبان زخمی و شمار دیگر این گروه گرفتار شدند. درین عملیات ها مقداری از مهمات و تجهیزات نظامی طالبان تخریب شد و ۲۱ حلقه ماین ضد وسایط کشف و ختنی شده است. طبق یک خبر دیگر: هفت عسکر اردوی ملی در جریان انجام وظایف امنیتی از

پژواک تقاضای امید از هموطنان

در پی انتشار یادداشت شمارهٔ پیش امید، چند تن از عزیزان خواننده و مشترک دایمی وهمکار قلمی، آمادگی خود را به یاری رساندن به این جریده در ادامهٔ چاپ آن اظهار فرمودند. سه بزرگوار خواستند تاقط کمک مالی شان پذیرفته شود، مگر اسمای شان انتشار نیابد. بالمتنان فراوان اِزایشان، همراهی دوتن از دوستداران انتشار امید را بصورت فشرده، ذیلا به مطالعهٔ عزیزان می رسانیم :

دانشمند برانندهٔ کشور جناب انجنیر عبدالصبور فروزان، که در یکی از یونیورستی های ایالت نیوجرسی به تدریس اشتغال داشته، وبا جریدهٔ امید همکاری ارزنده در تهیهٔ مقالات وپژوهشهای شان میکنند، باتقبل یاری رسانی ماهانه پنجاه دالر، چک شش ماههٔ سه صد دالری شانرا فرستاده ویبوست آن نوشته اند: ... آقای کوشان ! ... جای مباحث است که شمارا در میان خودداریم، که چراغ روشن امید را برای روشن شدن حقایق دردست داریم، که بزرگترین خدمت در راه وطن وفرهنگ عالی آن میباشد. من باتمام معنی مشکلات شمارا درک مینمایم ... واین کار آسانی نیست وانجام آن شخصیت عالی ودانشمند چون شماسمی خواهد. افتخار بس بزرگ است که شمارا داریم... در مورد همکاری مالی به امید که طرح کرده اید، بنده حاضراست ماهانه پنجاه دالر خدمت تقدیم کنم ... موفق باشنید.

جناب پروفیسرداکتر جنرال غلام فاروق پروانی، شرح مسبوسوی از کار رواییهای امر صاحب شهید در حفظ شرف وناموس واستقلال کشور نگاشته، و جریدهٔ امید را مؤید و روندهٔ راه سرفرازان قهرمان ملی خوانده، کم لطفی هموطنان آگاه ودردمند ودلسوز مقیم کشورهای اروپا وامریکا، در یاری رساندن به این جریده را نکوهیده، نگاشته اند: وقتی از ظلم طالبان وجفای یاران نمک حرام مسعود، از طریق ملل متحد بعد از مبارزات ومشکلات به امریکا آمدم، باحالت غریب زندگی راشروع نمودم... فعلا معاشم یک هزار و پنجاه دالراست که از آن جمله ۶۵۰ دالربه کرایهٔ خانم میدهم، برق، گاز و بیمهٔ موتربیای من ذخیرهٔ باقی نیمایند... در حالیکه مقام معاونیت وزارت دفاع رابدوش داشتم.

ولی باعهدهخود وفادارم، یعنی کم وناپیژ رامی فرستم. کاش می توانستم سهم اضافه تربگیرم، اما چرا کسانیکه وطندار هم هستند ... واز آرمانهای مقدس امید پیروی و طرفداری میکنند، غفلت میکنند... امید دارم که با عزم استوار وشکست ناپذیر به کمک دوستان ووطنداران شعلهٔ امید را خاموش نسازید، وانتظار مارا بخاطر رسیدن اخبار امید به یأس مبذل نسازید. با عرض حرمت./

بلی باران ! عهد این بندهٔ گنهکار با خالق یکتا ووطن ووطنسداران، باروح متعالی مسعود بزرگ وشهدای راه آزادی وشرف وعزت افغانستان عزیز همین بوده که تا جان در بدن دارم، در عرضهٔ حقایق تاریخی، اجتماعی، سیاسی وفرهنگی مهن، لحظهٔ غفلت نمی کنم، در پرتو افگنی برجریان های مخرب و وطن سوز اغیار لمچی فرو گذاشت روا نمیدارم، در افشای مظالم گذشته ودر حال جریان علیه مردم وطن چشم نمی پوشم، و تا وقتی خداوند مهربان به من نعمت حیات بخششیده، از خدمت به شماهای عزیز کوتاهی نمی کنم. حالا این شما باید که این جریده را برای ادامهٔ انتشارش یاری میرسانید، یا نه ؟! هر چه از دوست آید نکوست ! کوشان./

چهار آدم ربا در هرات به اعدام محکوم شدند

۳ دسمبر / هرات - باختر: محکمه استیناف ولایت هرات چهار تن را به اتهام آدم ربایی به اعدام محکوم کرد. متهمان در جلسه علنی قضایی دیوان جرایم علیه امنیت داخلی وخارجی محکمه استیناف که تحت ریاست سید عبدالغفار زبیر برگزار شد، محاکمه ومجازات شدند. این افراد در قضیه اختطاف توأم باقتل متهم اند. گفته میشود متهمان چندی قبل یک شهروند هرات را از داخل باغ اودر قدوس آباد ولسوالی کهسان ربوده وسپس او را به قتل رسانده اند. متهمان با سعی وتلاش نیروهای امنیتی بازداشت و پس از تحقیقات به جرم خویش اعتراف نموده بودند که در جلسه دیوان جرایم علیه امنیت داخلی وخارجی محکمه استیناف هرات هر کدام به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم شدند.

درین جلسه فردی به اتهام خیانت به وطن وعضویت در گروههای مخالف دولت نیز به ۱۱ سال حبس تنقیزی محکوم شد.وی کتفر به اتهام باند پیسم وحمله مسلحانه بر نیروهای امنیتی به ۱۶ سال حبس مجازات شد. مسئولان محکمه استیناف می گویند: درین جلسه دوفرمتهم در قضیه همکاری با مخالفین مسلح دولت نیز هر کدام به مدت یکسال وشش ماه حبس تنقیزی محکوم به مجازات شدند. در اخیر به متهمین مذکور تهمین شد که حق فرجامخواهی شان در میعاد قانونی محفوظ میباشد. همچنان دوتن هنگام آدمربایی از ولسوالی گذرهٔ هرات بازداشت شدند که در اختطاف سید رضا افسر قوماندانی امنیه ولسوالی انجیل دست داشتند. علاوه تاسهٔ نفر به اتهام سرقت از ولسوالی گذره بازداشت شدند. آنان به اتهام سرقت اموال مردم از مدت ها بدین سو تحت تعقیب پلیس قرار داشتند و هم اکنون تحت نظارت قرار دارند.

شادروان استاد محمد عاقل بیرنگ کوهدامنی

اینجا و آنجا

دل برده و دین برده ، اینجا هم و آنجا ، هم

معشوق سمر قدیم ، محبوب بخارا ، هم

دارم سر سودایی ، دارم دل هر جای

هم عاشق شیرین هم ، دل بستهٔ لایلا ، هم

تادست نگهداری از جور و دل آزاری

امروز کم زاری پیش تو، و فردا هم

ای چرخ فلک هر گز ، از پویه نمی مانی

می گردی و می چرخ ی با ما هم و بی ما ، هم

ای شبنم پاکیزه بس زود سفر کردی

هر صبح کم گریه ، بر یاد تو شبها ، هم

در کار سر زلفت دین از پی دنیا رفت

من خاسر دین باشم ، من رساخ دنیا ، هم

از دیده ی من غایب در جان منی حاضر

تو مثل خدایاشی ، پنهانی و پیدا ، هم

آیات نگاه تو ، تحریر چسان سازم

من را که غلط باشد ، املام و انشاء ، هم

از خویش گریزانم از مردم دنیا نیز

در جمع پریشانم ، در خلوت تنها ، هم

پروای کست ، نبود خواه آدم و خواه ابلیس

از جنت خود راندی ، او را هم و ما را ، هم

از رخنمای بنفشه سمرقندی

اثر انفجار ماین کنار جاده و انداخت سلاح تقیل دشمن به شهادت رسیدند .

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر - یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com



ریزه گل چادرش را به اشرف غنی بخشید

ریزه گل به انتقام خون فرزند شهیدش در مقابل طالبان تفنگ برداشته و چادرش را به ملا اشرف غنی بخشید!

یاد آن روز گاران طلایی بخیر که آسمان کابل آبی و در دریای کابل آب زلال از چسمه ساران پیمان جاری بود ، مردم بجای همبرگر و ساندویچ چیلی کباب و بولائی و بجای کولا و فانتا دوغ و کشمش آب در رستوانهای کابل نوش جان میکردند. مردها مرد بودندو زنهار زن، پدرها اختیار دار فامیل ومیر وملک اختیاردار ده وقریه بودند، پادشاه ضل الله وسایه خدا بود که در مقابل اطاعت رعیت آنها را در هنگام مصائب ارضی و سماوی دست نوازش به سر شان کشیده و در مقابل دشمنان ملت تا پای جان از ایشان دفاع می کرد.

اربابی راحاکایت میکنند که روزی در شهر نزدیک قریه گذرش افتاد واز آنجا ضمن خرید اجناس مورد ضرورت، یکدانه دوربین هم خرید، هنگام بازگشت به قریه دوربین را به گردن انداخته و ازبام مسجد قریه به تماشای دشتهاو کوههای اطراف ده پرداخته واز آن لذت می برد که ناگهان در آن دوردستها درامنه کوهی چشمش به مردی می افتد که برای قضای حاجت به زیر آسمان خدا به روی زمین نشسته . ارباب بادیدن آن مرد خون در رگهایش به جوشیدن آمده و چون برق گرفته ها از چاپریده بسوی خانه به دویدن شد، تفنگش را که برای روزمبادا در دیوار دهلیز خانه اش آویزان بود برداشته وبه سرعت بسوی بام مسجد براه افتاد ودر آنجاسینه آن مرد نکو نخت نشانه گرفته فیر کرد. پلیس که از ارباب قریه جویای انگیزه قتل آن مرد ناآشناگردید. اودر جواب گفت: آخر من ارباب این قریه هستم ودفاع از نوامیس این مردم وظیفه وجدانی من است، من چقدر بیغیرت باشم که کسی را زنده بگذارم که فالانش را بسوی قریه ما کشال کند! اما قراقول معروف آن روز گاران طلایی را گاو خورد که نه از آسمان آبی کابل ونه از آب زلال دریای کابل ونه ازغیرت وشهامت اربابان وشاهان کابل دیگر اثری باقی مانده و کاریجایی رسیده که دریای کابل به بزگترین وطولانی ترین فاصله دانی کشور تبدیل شده و پادشاه کابل بجای شمشیر کشیدن بحان دشمنان رعیتش به عذر و زاری در مقابل دشمن روی آورده و در جواب اذیت و آزار و قتل و کشتار دشمن او را برادر ناراضی ومخالف سیاسی خطاب کرده به مصالحه ومذاکره دعوتش می کند.

در چنین حالت زار که ناف غیرت افغانی سایه خدا و سایر شیخ بروتان دور وبرش میروند و دشمن از دیدن این حالت روز بروز جسورتر می شود، پس در آخرین لحظات قبل از تباهی کامل کشور مجتزه بزرگی رخ داده وموجودات ضعیفی که تادیروز یکجا با کلم وقالین خرید و فروش وبابا سگان جنگی مبادله می شدند، شمشیر به کمر بسته و چنان در مقابل دشمنان ملت حماسه آفرینی میکنند که تاریخ نظیرش را بیاد ندارد. با تقدیم حرمت حق(شمس الحق)انی

گزیده هایی از فیسبوک(رخنمای) دختری هموطن

-عجب جامعه ما این است که همه می خواهند آدم مهمی باشند

ولی هیچ کس نمی خواهد فر دمقیدی باشد!

- کاش به جای این همه ورزشگاه های زیبای اندام یک ورزشگاه زیبایی افکار هم میداشتیم ، مشکل امروز ما اندامهانیست افکار هستند.

- در سرزمینی که سایه آدم های کوچک ، بزرگ شد

در آن سرزمین آفتاب در حال غروب است!!!

خدا حافظی داکتر سید مخدوم رهین باکارمندان وزارت اطلاعات

۳ دسمبر / کابل - باختر: داکتر سید مخدوم رهین وزیر پیشین وزارت اطلاعات و فرهنگ امروز با کارمندان وزارت خدا حافظی کرد. در محفلیکه به این مناسبت در تالار تلویزیون ملی برگزار شد، پوهنمل نبی فراهی سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ صحبت کرده مدیریت، کارفهمی و رهنمایی سالم را از خصوصیات بارز داکتر رهین خوانده گفت : یکی از خصوصیات که داکتر رهین داشت اینست هر آنچه را اومیدانست به همکاران وزیردستان خودمی فهماند و آنچه شما دروزارت اطلاعات و فرهنگ می بینید ابتکار داکتر رهین است.فراهی افزود داکتر رهین شخصیت عالم ودانشمند بوده که بالای همه مسایل حاکم است وبه جوانب مختلف موضوع پیش از پیش می اندیشدند. بعداً داکتر رهین گفت: من وزارت اطلاعات و فرهنگ را دوست داشتم نه بهخاطر وزارت بل بخاطر آرمانهای زیادی که برای مردم افغانستان داشتم که آن خدمت از طریق وزارت به ملت بود. پیوند من با این وزارت یعنی به همین زمینه های خدمت به مردم یک پیوند عاشقانه بود، بهمین سبب من در طول مدتی که به سر آغاز یازدهمین سال در خدمت بودم ، هیچ گونه زندگی شخصی نداشتم. زرین انزر رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی نیز پیرامون همکاری ز کار کردهای وزیر اطلاعات و فرهنگ صحبت کرده واستقلالیت رادیو تلویزیون ملی رادر کنار سایر دستاوردها مرون زحمات داکتر رهین دانست .

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.

مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

